

کلیدهای گشایش ثروت

(در پرتو قرآن و سنت)

تألیف: دکتر فضل الهی

ترجمه و اضافات: پدram اندایش

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه‌ی مترجم

به نام الله و به یاد الله و برای الله. گواهی می‌دهم که پرستش شونده و معبود برحق جز الله وجود ندارد و محمد - شمشیر در کارزار و دلسوز در دعوت - بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد. این کتابی است که در آن راه بدست آمدن و زیاد شدن رزق و روزی بیان شده است، ولی قبل از آن باید چند نکته را بیان دارم.

الله تعالی می‌فرماید: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» [العنکبوت: ۲] (آیا مردم پنداشتند که اگر بگویند: «ایمان آورده‌ایم» به حال خود رها می‌شوند و آنان مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند). بله، انسان مورد امتحان قرار می‌گیرد و این امتحان با توجه به استعدادها و نیت آنها فرق می‌کند، چه بسا که شدیدترین امتحانها برای پیامبران و صالحان است. پس نمی‌توانیم بگوئیم که هر کسی ایمان آورد، تمامی مشکلات وی حل می‌شود، بلکه باید صبور باشد و با عمل به مطالبی که در این کتاب است و امور دیگری که بیان نشده است، منتظر خوشبختی در دنیا و آخرت باشد.

بله انسان مورد امتحان قرار می‌گیرد. الله تعالی می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخُونَ» [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷] (و شما را با چیزهایی مثل ترس و گرسنگی و نقصان مال و جان و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و به صبرکنندگان بشارت بده! * کسانی که وقتی مصیبتی به آنها می‌رسد، می‌گویند: «ما برای الله هستیم [و مالک ما الله تعالی است] و ما [در روز قیامت] به سوی او باز می‌گردیم» * آنان کسانی هستند که درود و رحمت پروردگارشان برای آنها می‌باشد و آنها همان هدایت یافتگان هستند). پیامبر ﷺ نیز فرموده است: «مَا

مِنْ أَحَدٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ فَيَقُولُ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلَفَ لِي خَيْرًا مِنْهَا إِلَّا أَجَارَهُ اللَّهُ فِي مُصِيبَتِهِ وَأَخْلَفَ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا» (کسی نیست که به او مصیبتی برسد و بگوید: ما برای الله هستیم و ما به سوی او باز می‌گردیم، یا الله! به خاطر مصیبتی که به من اجر بده و از پس آن برای من خیری بگذار، [اتفاقی نمی‌افتد] مگر این که الله به ازای مصیبتش به او اجر می‌دهد و از پس آن برایش خیری قرار می‌دهد). از الله تعالی درخواست می‌نمایم که ما را از این افراد قرار دهد.

اما کسی که در امتحانها صبور نمی‌باشد، الله تعالی می‌فرماید: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» [الحج: ۱۱] (و از انسانها کسی وجود دارد که با [حرف و] دودلی الله را پرستش می‌نماید. اگر خیری به او برسد، اطمینان خاطر پیدا می‌کند و اگر فتنه‌ای به او برسد، [از دین] روی بر می‌گرداند، در دنیا و آخرت زیانکار می‌شود و آن زیان دیدنی آشکار است). از شما برادر گرامی می‌خواهم که برای رونق گرفتن رزق و روزی‌تان به این کتاب عمل کنید و کمی صبور باشید تا نتیجه‌ی آن را ان شاء الله در دنیا و آخرت ببینید. و توفیقی وجود ندارد، مگر از جانب الله بسیار رحمتگر.

مقدمه‌ی مؤلف

شکر و ستایش برای الله پروردگار جهانیان است، او را حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او طلب آموزش می‌نماییم. به الله پناه می‌بریم از شرهای درونیمان و جدی اعمالمان. کسی را که الله تعالی هدایت کند، گمراه کننده‌ای ندارد و کسی را که گمراه سازد، هدایت کننده‌ای ندارد. شهادت می‌دهم که معبود و پرستش شونده‌ی برحق جز الله وجود ندارد و محمد بنده و فرستاده‌ی وی می‌باشد و صلی الله علیه و علی آله و أصحابه و أتباعه و بارک و سلم.

^۱ - مسلم ۹۱۸ و ابوداود ۳۰۰۹ و ترمذی ۳۵۰۶ و ابن ماجه ۱۵۹۸ و ابن سنی ۵۸۰ و أحمد

۳۰۹/۶ و ۳۱۳ از حدیث ام سلمه رضی الله عنها.(مترجم)

اما بعد:

چیزی که تعداد بسیاری از مسلمانان را به خود مشغول نموده است، طلب رزق و روزی می‌باشد و تعداد زیادی از آنها در این گمان هستند که تمسک جستن به اسلام، روزی آنها را کم می‌کند. امر به اینجا ختم نمی‌شود و تا آنجا پیش می‌رود که بعضی از مسلمانان فکر می‌کنند که بعضی از واجبات اسلامی را نباید انجام دهند تا زندگی مادی آسانی داشته باشند و وضع اقتصادی آنها بهتر بشود. آنان فراموش نموده‌اند و یا خود را به فراموشی زده‌اند که آفریننده‌ی جل جلاله دینش را فقط برای آخرت و کوشش در راه آن قرار نداده است. باید توجه داشت، بلکه الله تعالی دین خود را برای دنیا و زندگی آن و کوشش در راه آن نیز قرار داده است؛ تا به آنجا که بیشترین دعای محبوب الله تعالی کسی که او را الگویی برای بشر قرار داده است، یعنی پیامبر ﷺ این بوده است: ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^(۱) (پروردگارا در دنیا به ما نیکی عطا فرما و در آخرت [به ما] نیکی عطا فرما و ما را از عذاب آتش جهنم حفظ بفرما!!).

خالق جل جلاله و پیامبر گرامی ما ﷺ امت اسلامی را در تاریکی قرار نداده است و برای این امت، کوشش در راه طلب زندگی دنیوی نیز قرار داده است، بلکه راه‌های بدست آمدن روزی را بیان داشته و روشن نموده است که اگر امت آن را بفهمند و به آن گوش فرا دهند و به آن تمسک بجویند و به نیکی آن را به کار بندند، الله که دارای قدرت و قوت بی‌انتها است، از هر طرف راه رزق و روزی را برای آنها آسان می‌فرماید و برکنهای آسمان و زمین را به سوی آنها گسیل می‌دارد.

(۱) امام بخاری از انس رضی الله عنه روایت کرده است: «كَانَ أَكْثَرُ دُعَاءِ النَّبِيِّ ﷺ ﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (صحيح بخاری، كتاب الدعوات، باب قول النبي ﷺ ربنا آتنا في الدنيا حسنة، رقم الحديث ۶۳۸۹ ، ۱۱/۱۹۱).

رغبت داشتن به این مطلب و آموزش این سبب‌های کسب رزق به برادران مسلمان و درست نمودن کج فهمی‌های موجود و هشدار دادن به کسی که از راه مستقیم برای کسب رزق، گمراه شده است، مرا بر آن داشت تا به توفیق الله تعالی تمامی راه‌های گشایش روزی را در این کتاب بیان دارم و این کتاب را نامیده‌ام: «مفاتیح الرزق فی ضوء الکتاب والسنة».

اموری که در نوشتن این کتاب آنها را در نظر گرفته‌ام.

به فضل الله تعالی شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- مرجع اصلی این مطلب، کتاب الله تعالی و سنت پیامبر گرامی‌اش ﷺ است.
- ۲- احادیث شریف از مرجع اصلی آنها نقل شده است و همچنین حکم علماء بر آنها را بیان داشته‌ام، مگر احادیثی که از صحیحین بیان شده است که امت اسلامی بر درست بودن آن دو اجماع دارند^(۱).
- ۳- سعی کرده‌ام که در حین استدلال به آیات کریمه و احادیث شریف از کتب تفسیر و شرح‌های حدیث نیز استفاده کنم.
- ۴- راه‌های طلب روزی مشروع را بیان داشته‌ام و بعد از کمک گرفتن از الله تعالی از سخن علماء کمک گرفته‌ام تا می‌ادا برداشت اشتباهی از آن صورت گیرد.
- ۵- منافع دیگری را که الله تعالی برای این اموری که در کسب رزق تأثیر دارند را نخواست‌ام بیان بدارم، مگر آن که خود [در آیات یا احادیث] ذکر شده باشند و

(۱) نگاه شود: مقدمه‌ی نووی در شرحش بر صحیح مسلم ص ۱۴، و نزهة النظر فی توضیح نخبة الفکر از حافظ ابن حجر ص ۲۹.

باشد که الله سبحانه و تعالی بدست آمدن اسباب را در
وقتی دیگر آسان فرماید.

۶- کلمات غریب که در احادیث شریف وجود دارد را
شرح داده‌ام تا مفید بودن این اثر این شاء الله تعالی به
کمال برسد. [از این شرح در ترجمه استفاده شده است
و متن شروح حذف شده است].

۷- ذکر منابع را نموده‌ام تا کسی که می‌خواهد به آنها
رجوع کند، برایش این امر آسان باشد.

۸- نخواست‌ام تا اسباب روزی را به اقتصار بیان دارم،
بلکه احادیثی را جمع آوری نموده‌ام که الله ﷻ جمع
آوری آنها را برای من آسان فرمود.

فهرست مطالب

فهرست مطالب به شرح زیر می‌باشد:

مقدمه‌ی مترجم.

مقدمه‌ی مؤلف.

مطلب اول: استغفار (طلب آمرزش) و توبه.

مطلب دوم: تقوا.

مطلب سوم: توکل بر الله تعالی.

مطلب چهارم: جدیت نمودن در عبادت الله عز وجل و خود را وقف آن نمودن.

مطلب پنجم: مداومت دادن به حج و عمره.

مطلب ششم: صله‌ی رحم.

مطلب هفتم: إتفاق در راه الله تعالی.

مطلب هشتم: إتفاق به کسی که خود را وقف کسب علوم شرعی نموده است.

مطلب نهم: نیکوکاری به ضعیفان.

مطلب دهم: هجرت در راه الله تعالی.

[مطلب یازدهم: شکر.

مطلب دوازدهم: بی‌اعتنایی به دنیا.

مطلب سیزدهم: اذکاری که کلید رزق و روزی می‌باشند.

مطلب چهاردهم: کسب روزی از راه حلال.

مطلب پانزدهم: دعا کردن.

مطلب شانزدهم: انسان علت فقر خود را الله تعالی بداند.]

خاتمه: شامل نتایج مطلب و سفارش نمودن است.

تشکر و دعای خیر

شکر و حمد برای الله تعالی است که یکتا و والا مقام بوده و تمامی مخلوقات به او نیاز دارند، برای این شکر می‌کنم که بر این بنده‌ی نیازمند به رحمت و عفو و یزرگواری‌اش منت نهاده است تا این موضوع را بیان دارد، سپس از برادر دکتر سید محمد ساداتی شتیقی تشکر می‌نمایم و برای او دعای خیر می‌نمایم که از او در تهیه این مطلب استفاده نموده‌ام. همچنین تشکر و دعای خیر خود را معطوف به برپا کنندگان مکتب التعاونی للدعوة والإرشاد قسمت الجالیات در بطحاء در ریاض که تابع وزارت الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد کشور عربستان می‌کنم، چرا که اصل این مطلب از دو محاضرهای می‌باشد که در این مکتب صورت پذیرفت. دعای خیر خود را برای فرزند عزیزم حافظ حماد إلهی و فرزندان دیگرم قرار می‌دهم که در نوشتن این مطلب مرا یاری دادند. الله تعالی به تمامی آنها در دنیا و آخرت پاداش خیر دهد.

از الله ذا الجلال و الإکرام طلب می‌نمایم تا عمل مرا خالص برای ذات خودش فرماید و آن ذخیره‌ای برای من و پدر و مادر گرامی‌ام برای روزی که مال و فرزند سود نمی‌دهد، مگر کسی که الله تعالی به او قلب سلیم داده باشد، مقرر فرماید! همچنین از پروردگار الحی (زنده) و القیوم (پابرجا) درخواست می‌نمایم تا به من و برادران و فرزندان و نزدیکان و تمامی مسلمانان توفیق دهد که اسباب رزق مشروع برای ما حاصل شود و آن را برای ما در دنیا و آخرت

آسان گرداند، همانا او شنوای اجابت کننده است. آمین یا رب العالمین. صلی الله تعالی علی نبینا و علی آله و أصحابه و أتباعه و بارک و سلم.

فضل

إلهی

مطلب اول: استغفار (طلب آمرزش) و توبه.

از مهمترین اموری که باعث نازل شدن رزق و روزی می باشد، طلب استغفار و توبه نمودن به سوی الله بسیار توبه پذیر و پنهان کننده ی گناهان است. این مطلب را در خلال این دو موضوع بیان می دارم:

اول: حقیقت استغفار و توبه.

دوم: بیان سند برای آن که استغفار و توبه از کلیدهای گشایش روزی هستند.

اول: حقیقت استغفار و توبه:

عده ی زیادی از مردم، در این پندارند که استغفار و توبه با زبان می باشد، کسی از آنها است که می گوید: «أستغفر الله وأتوب إليه» (از الله طلب آمرزش می نمایم و به سوی او توبه می نمایم) و این در حالی است که این سخن کوچکترین اثری بر قلب ندارد و به همین صورت است تأثیر آن بر اعضای بدنش. این استغفار و توبه به مانند عمل دروغگویان است.

علماء - جزاهم الله تعالی عنا خیر الجزاء - حقیقت استغفار و توبه را بیان داشته اند. به طور مثال امام راغب اصفهانی گفته است: «توبه در دین، به معنای ترک گناه برای زشتی آن گناه است و همچنین پشیمان شدن از کوتاهی که

صورت گرفته است و اراده کردن برای تکرار نشدن آن و مبادرت نمودن در حد امکان به اعمالی که جلوی تکرار آن را بگیرد. وقتی این چهار امر یکجا جمع شود، شرایط توبه کامل شده است»^(۱).

امام نووی این امر را با اسلوب خودش بیان داشته است و گفته است: «علماء گفته‌اند: توبه از هر گناهی واجب است. اگر معصیت بین بنده و الله تعالی باشد و به حق الناس مربوط نباشد، سه شرط دارد:

یکی از آنها: دست کشیدن از گناه است.

دوم: پشیمانی از انجام آن.

سوم: اراده نماید که به آن [گناه] باز نگردد.

اگر یکی از این موارد وجود نداشته باشد، توبه صحیح نمی‌باشد.

ولی اگر گناه به حق الناس مربوط شود، [توبه] دارای چهار شرط است: این سه مورد [که بیان شد] و این که از صاحب حق طلب حلالیت صورت گیرد. اگر خوردن مال اوست باید آن مال به او برگردد. اگر تهمت زدن و مانند آن باشد، به او مکنت دهد و از او طلب بخشش نماید و اگر غیبت بود از او حلالیت بطلبد»^(۲).

امام راغب اصفهانی درباره‌ی استغفار گفته است: «طلب آن با سخن و عمل است و این سخن الله تعالی: ﴿اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا﴾ (از او طلب آمرزش نمایید، همانا او بسیار آمرزنده است) امر فرموده است که فقط با زبان آن را طلب کنید، بلکه با زبان و عمل. حقیقتاً گفته شده است: استغفار با زبان بدون عمل، عمل دروغویان است»^(۳).

(۱) المفردات فی غریب القرآن، مادة «توب»، ص ۷۶.

(۲) ریاض الصالحین ص ۴۱ - ۴۲.

(۳) المفردات فی غریب القرآن، مادة «غفر»، ص ۳۶۲.

دوم: بیان سند برای آن که استغفار و توبه از کلیدهای گشایش روزی هستند:

نصوص بسیاری در قرآن کریم و حدیث شریف وجود دارد که دلیلی بر این است که استغفار و توبه، به فضل الله تعالی از اسباب روزی می باشد. در اینجا به توفیق الله تعالی بعضی از این نصوص را آورده‌ام:

الف - یاد آورد شدن ماجرای نوح (علیه السلام) که الله جل جلاله آن را بیان داشته است، و از قول نوح (علیه السلام) به قومش می فرماید: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَنْبِيْ وَيَجْعَلَ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»^(۱) (و گفتم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید که او بسیار آمرزنده است. از آسمان پیاپی بر شما باران می باراند و به شما با مالها و فرزندان کمک می کند و برای شما باغهایی قرار می دهد و برای شما نهرهایی قرار می نهد).

در این آیه ی گرامی به وجود آمدن چند امر با استغفار نمودن، بیان شده است:

۱- آمرزیدن گناهان توسط الله تعالی و این همان سخن الله تعالی است که می فرماید: «إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا» (همانا او بسیار آمرزنده است).

۲- جارتدن باران به طور پی در پی. ابن عباس رضی الله عنهما گفته است: «(مدراراً) به معنای پی در پی است»^(۲).

۳- الله تعالی با این عمل فرزندان و مالها را زیاد می فرماید. عطاء در تفسیر این سخن الله تعالی:

(۱) سوره نوح آیات: ۱۰-۱۲.

(۲) صحیح بخاری، کتاب التفسیر، سوره نوح، ۶۶۶/۸.

﴿وَيُصَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَيَبْنِي﴾ گفته است: «مالها و

فرزندان را زیاد می‌فرماید»^(۱).

۴- الله تعالى باغهایی را مقرر می‌فرماید.

۵- الله تعالى نه‌هایی را مقرر می‌فرماید.

امام قرطبی گفته است: «در این آیه و آنچه در سوره‌ی هود آمده است»^(۲)

دلیلی بر این امر است که استغفار باعث نازل شدن روزی و باران می‌شود»^(۳).

حافظ ابن کثیر در تفسیر گفته است: «به این معناست که اگر به سوی الله

[تعالی] توبه نمایید و از او طلب آمرزش نمایید و برای او غذا بدهید، رزق شما

را زیاد می‌کند و برکات آسمان را بر شما می‌باراند و برای شما بر روی زمین

گیاهان را می‌رویند و به زراعت شما رونق می‌دهد و شیردانه‌ای [حیوانات]

شما را پُر از شیر می‌فرماید و به شما با مالها و فرزندان کمک می‌نماید، به این

معنا که به شما مال و فرزند می‌دهد و برای شما باغهایی را قرار می‌دهد که

انواع میوه در آن وجود دارد و در خلال آن نه‌ها جاری است»^(۴).

این همان چیزی است که امیر المؤمنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه برای طلب باران از

پروردگار جل جلاله به آن تمسک جست.

مطرف از شعبی روایت کرده است که عمر رضی الله عنه برای طلب باران با مردم [از شهر]

خارج شدند و دائماً استغفار نمود تا آن که بازگشت، به او گفته شد: «از تو

نشنیدیم که طلب باران نمایی».

گفت: «به محلهای آسمان که از آن آب پایین می‌آید، طلب باران نمودم، سپس

قرائت نمود: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً» (از

(۱) تفسیر البغوی ۳۹۸/۴ و همچنین نگاه شود: تفسیر الخازن ۱۵۴/۷.

(۲) اشاره به این سخن الله تعالی دارد: «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ ...». و حدیث درباره‌ی آن این شاه الله تعالی بعد از این آیات خواهد آمد.

(۳) تفسیر قرطبی ۳۰۲/۱۸ و همچنین نگاه شود: الإکلیل فی استنباط التزیل ص ۲۷۴ و فتح القدیر ۴۱۷/۵.

(۴) تفسیر ابن کثیر ۴۴۹/۴.

پروردگارتان طلب آمرزش نمایند که او بسیار آمرزنده است [و] از آسمان پیاپی برای شما باران می‌بارد^(۱).

همچنین امام حسن بصری تمامی کسانی را که از خشکسالی، فقر، کم بودن فرزند و خشک شدن باغها نزد وی شکایت نمودند را به استغفار نمودن راهنمایی نمود. امام قرطبی از این صبیح آورده است: «مردی نزد حسن بصری از خشکسالی شکایت نمود، به او گفت: «از الله طلب آمرزش نما».

دیگری از فقر نزد او شکایت نمود، به او گفت: «از الله طلب آمرزش نما».

نفر دیگری به او گفت: «از الله [تعالی] بخواه که به من فرزند دهد».

به او گفت: «از الله طلب آمرزش نما».

دیگری از خشک شدن باغش نزد او شکایت کرد، به او گفت: «از الله طلب آمرزش نما».

درباره‌ی آن با او سخن گفتیم.

در روایت دیگری آمده است: ربیع بن صبیح به او گفت: «مردانی نزد تو آمدند که از مسائل مختلفی شکایت داشتند و تمامی آنها را به استغفار نمودن امر نمودی»^(۲).

گفت: «از خودم چیزی نگفتم. الله تعالی در سوره‌ی نوح می‌فرماید: ﴿قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ، يُرْسِلَ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ، وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ (و گفتیم: از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید که او بسیار آمرزنده است. از آسمان پیاپی بر شما باران می‌بارد و به شما با مالها و فرزندان کمک می‌کند و برای شما باغهایی قرار می‌دهد و برای شما نهرهایی قرار می‌نهد).^(۳)

(۱) مرجع قبلی ۱۵۲/۷، و همچنین نگاه شود: روح المعانی ۷۲/۲۹.

(۲) تفسیر الخازن ۱۵۲/۷، و همچنین نگاه شود: روح المعانی ۷۳/۲۹.

(۳) تفسیر قرطبی ۳۰۲/۱۸ - ۳۰۳، و همچنین نگاه شود: تفسیر الکشاف ۱۹۲/۴، و المحرر الوجیز

الله اکبر! ثمره‌ی استغفار کردن چه با ارزش و زیاد است! یا الله! ما را از استغفار کنندگان قرار بده و نتیجه‌ی آن را از نزد خودت در دنیا و آخرت به ما عطا فرما! همانا تو شنونده‌ی استجابت کننده هستی. آمین یا حی (زنده) یا قیوم (برپا و برپا دارنده).

ب - از آنها سخن الله ﷻ درباره‌ی دعوت قوم هود علیه السلام توسط وی به طلب آمرزش و استغفار است، می‌فرماید: «وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ» (و ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید وجه سوی او توبه نمایید! در نتیجه‌ی آن از آسمان پیاپی بر شما باران می‌باراند و قدرتی بر قدرت شما می‌افزاید و مجرمانه روی بر نگردانید)^(۱).

حافظ این کثیر در تفسیر این آیه گفته است: «سپس هود علیه السلام به قومش امر نمود تا طلب استغفار نمایند و در نتیجه‌ی آن، گناهای آن، گناهانی که در قبل انجام داده‌لند، آمرزیده می‌شود و با توبه از آنچه [از گناهان] در بعد ایجاد می‌گردد، جلوگیری به عمل می‌آید. کسی که دارای این صفت باشد، الله [تعالی] رزق و روزی را برای او آسان می‌فرماید و امر او را برایش راحت می‌کند و منزلت او را حفظ می‌نماید و به همین دلیل می‌فرماید: «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا» (ز آسمان پیاپی بر شما باران می‌باراند)^(۲).

یا الله! ما را از کسانی قرار بده که خصوصیت آنها توبه نمودن و استغفار کردن است و روزی ما را برای ما میسر نما و امور ما را بر ما آسان گردان و منزلت ما را حفظ بفرما! همانا تو شنونده‌ی استجابت کننده هستی. آمین یا ذا الجلال والإکرام.

ج - از آنها این سخن الله سبحانه و تعالی است: «وَأَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ» (و از پروردگارتان طلب آمرزش نمایید و

۱۶ / ۱۲۳.

(۱) سوره هود آیه: ۵۲.

(۲) تفسیر ابن کثیر ۲/ ۴۹۲، و همچنین نگاه شود: تفسیر القرطبی ۹/ ۵۱.

به سوی او توبه کنید، [در نتیجه‌ی آن] به شما متاعی نیکو تا رسیدن [اجل‌تان] عطا می‌فرماید و به هر صاحب فضیلتی، فضیلت او را می‌دهد و اگر روی برگردانید برای شما از عذاب روز بزرگ می‌ترسم^(۱).

در این آیه‌ی گرامی الله قادر و توانا به کسی که توبه نماید و استغفار نماید، وعده‌ی متاع نیکو داده است. منظور از این سخن الله تعالی: «يَتَّعُكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا» (به شما متاع نیکویی عطا می‌فرماید) همان گونه که عبد الله بن عباس رضی الله عنهما گفته است، زیاد کردن روزی و ثروت است^(۲).

امام قرطبی در تفسیرش گفته است: «این نتیجه‌ی استغفار نمودن و توبه کردن است، به این شکل که به شما وسعت روزی و راحتی زندگی عطا می‌فرماید و با عذاب شما را همان گونه که نفرت قبل از شما را هلاک فرمود، هلاک نمی‌نماید»^(۳).

این وعده‌ی الهی و گرامی، پاداش دادنی بر اساس شرطی است [و آن شرط استغفار و توبه می‌باشد]. شیخ محمد امین شتیعی گفته است: «این آیه‌ی گرامی دلیلی بر این است که استغفار و توبه به سوی الله [تعالی] باعث بهره‌مند شدن توسط الله [متعال] تا زمان رسیدن اجل است، زیرا او استغفار و توبه را شرط آن پاداش قرار داده است»^(۴).

د - دلیل دیگری که استغفار و توبه از کلیدهای گشایش روزی هستند، حدیثی است که احمد، ابوداود، نسائی، ابن ماجه و حاکم از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که رسول الله ﷺ فرموده است: «مَنْ أَكْثَرَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ

(۱) سوره هود آیه: ۳.

(۲) زاد المسیر ۷۵/۴.

(۳) تفسیر قرطبی ۴۰۳/۹، و همچنین نگاه شود: تفسیر طبری ۲۲۹/۱۵ - ۲۳۰؛ و الکشاف ۲/۲۵۸.

و تفسیر بغوی ۳۷۳/۴، و فتح القدر ۶۹۵/۲، و تفسیر القاسمی ۶۳/۹.

(۴) أضواء البیان ۹/۳.

(۱) جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ قَرَارًا وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (۲) (کسی که زیاد استغفار کند (در حدیثی دیگر دائماً استغفار کند) الله برای او در هر غمی گشایشی قرار می‌دهد و از هر تنگی راه فراری قرار می‌نهد و از جایی که حساب نمی‌کند، او را روزی می‌دهد).

در این حدیث راستگوی تصدیق شده، سخن گوینده‌ی وحی، یعنی پیامبر ﷺ، سه نتیجه را برای زیاد استغفار نمودن، قرار داده است. یکی از آنها: رزق و روزی از طرف الله روزی دهنده‌ی پر قدرت قوی از جایی که او فکرش را نمی‌کند و به آن امید ندارد و به ذهنش خطور نمی‌کند. در نتیجه بر کسانی که رغبت به رزق و روزی دارند، واجب است تا به استغفار نمودن خود سرعت دهند و با زبان و عمل آن را به کار بندند. ولی باید بر حذر بود که استغفار فقط با زبان باشد و عملی در مقابل آن صورت نگیرد که این عمل، عمل دروغگویان است.

(۱) «من أكثر الاستغفار» و در روایتی آمده است: «من لزم الاستغفار». (نگاه شود: سنن أبی داود ۲۶۷/۴، و سنن ابن ماجه ۳۳۹/۲). ومعناى آن - همان گونه که شیخ أبو الطیب العظیم آبادی گفته است - هنگام انجام گناه و ظاهر شدن بلا می‌باشد یا با دوام دادن به آن آنچه نفس احتیاج دارد [از بین می‌رود] به همین دلیل پیامبر ﷺ فرموده است: «طوبى لمن وجد فى صحیفته استغفاراً كثيراً» (درخت طوبی برای کسی است که در پرونده‌ی اعمالش استغفار زیاد وجود داشته باشد) این ماجه آن را با سند حسن صحیح روایت کرده است. (عون المعبود ۲۶۷/۴).

(۲) المسند، ۲۲۳۴، ۵۵/۴ - ۵۶، و لفظ برای اوست؛ سنن أبی داود، أبواب قیام اللیل، تفریع أبواب الوتر، باب فی الاستغفار، ۱۵۱۵، ۲۶۷/۴؛ و کتاب السنن الکبری، کتاب عمل الیوم والليلة، ۲/۱۰۲۹۰، ۶/۱۱۸؛ و سنن ابن ماجه، أبواب الآداب، باب الاستغفار، ۳۸۶۴، ۳۳۹/۲؛ و المستدرک علی الصحیحین، کتاب التوبة والإنابة، ۲۹۲/۴.

بعضی از محدثین به علت یکی از راویان آن این حدیث را ضعیف دانسته‌اند.

(نگاه شود: التلخیص از حافظ الذهبی ۲۶۲/۴، و عون المعبود ۲۶۷/۴، و ضعیف سنن أبی داود از شیخ آلانی ص ۱۴۹).

ولی امام حاکم اسناد آن را صحیح دانسته است. (نگاه شود: المستدرک ۲۶۲/۴) و درباره‌ی آن شیخ أحمد محمد شاکر گفته است: «اسناد آن صحیح است» هامش المسند ۵۵/۴ همان گونه که به آنچه درباره‌ی یکی از راویان آن گفته شده است، جواب داده شده است. والله تعالی أعلم بالصواب.

مطلب دوم: تقوا

از اموری که باعث نازل شدن رزق می‌شود، تقوا است. به توفیق الله تعالی این موضوع را با دو نکته بیان می‌داریم:

أول: منظور از تقوا.

دوم: سند شرعی برای آن که تقوا از کلیدهای رزق است.

أول: منظور از تقوا:

علمای امت رحمهم الله تعالی منظور از تقوا را بیان داشته‌اند. به طور مثال امام راغب اصفهانی گفته است: «حفظ نمودن خود از آنچه که گناه کردن محسوب می‌شود و آن با ترک چیزهای نهی شده است و با ترک بعضی از امور مباح کامل می‌شود»^(۱).

امام نووی تقوا را بدین شکل معرفی نموده است: «پای بند بودن به آنچه به آن امر شده است و از آن نهی شده است و معنای آن: حفظ شدن از خشم او و عذابش سبحانه و تعالی می‌باشد»^(۲).

امام جرجانی گفته است: «برحذر بدون از مجازات الله تعالی با اطاعت از وی و آن حفظ نمودن نفس از اموری است که باعث مجازات می‌شود و شامل انجام دادن [بعضی از امور] و ترک نمودن [اموری دیگر] می‌باشد»^(۳).

کسی که نفسش را از گناه باز ندارد، یا تقوا نمی‌باشد. کسی که با چشمش به چیزی نگاه کند که الله تعالی آن را حرام نموده است یا به چیزی گوش دهد که الله تعالی به آن خشم دارد یا با دستش چیزی را بگیرد که الله تعالی از آن راضی

(۱) المفردات فی غریب القرآن، مادة «وقی»، ص ۵۳۱.

(۲) تحریر ألقاظ التنبیہ ص ۳۲۲.

(۳) کتاب التعریفات ص ۶۸.

نمی‌باشد یا به گونه‌ای قدم بردارد که الله تعالی از آن خشمگین می‌شود، او خودش را از گناه حفظ نکرده است.

کسی که با امر الله سبحانه و تعالی مخالفت کند و مرتکب اموری شود که از آن نهی شده است، متقی و پرهیزگار نمی‌باشد.

کسی که مرتکب گناهی شود که موجب خشم الله تعالی و مجازات دادن وی می‌شود، خودش را از پرهیزگاران و متقیان جدا نموده است.

دوم: سند شرعی برای آن که تقوا از کلیدهای رزق است:

نصوصی وارد شده است که دلیلی بر این می‌باشد که تقوا از اسباب رزق و روزی است و بعضی از آنها را بیان می‌داریم:

الف - سخن الله ﷻ که می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (و کسی که از الله تقوا پیشه کند، برای او راه فراری قرار می‌دهد و از جایی که فکرش را نمی‌کند به او روزی می‌دهد)^(۱). مولای ما جل جلاله بیان فرموده است که اگر شرط تقوا وجود داشته باشد، الله تعالی دو پاداش به او می‌دهد: یکی از آنها: «يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (برای او راه فراری قرار می‌دهد).

به این معنا که او را نجات می‌دهد - همان گونه که ابن عباس رضی الله عنهما گفته است - از تمام طوفانهای بلای دنیا و آخرت^(۲).

دوم آنها: «وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» به این معنا که از جایی به او روزی می‌رساند که امید ندارد و فکر آن را نمی‌کند^(۳).

حافظ ابن کثیر در تفسیرش گفته است: «به این معناست که کسی که از الله [تعالی] در انجام دادن چیزی که به او امر فرموده است و ترک آنچه را که او را

(۱) سوره الطلاق آیات ۲ و ۳.

(۲) نگاه شود: تفسیر قرطبی ۱۵۹/۱۸. و ربیع بن خثیم گفته است: «برای او گناهی از هر تنگی که بر انسان وجود دارد ایجاد می‌فرماید». (زاد المسیر ۲۹۱/۸ - ۲۹۲، و همچنین نگاه شود: تفسیر البغوی ۳۵۷/۴، و تفسیر الخازن ۱۰۸/۷).

(۳) نگاه شود: زاد المسیر ۲۹۱/۸ - ۲۹۲، و همچنین نگاه شود: الکشاف و در آن آمده است: «از جایی که به فکرش خطور نمی‌کند و آن را به حساب نمی‌آورد». (۱۲۰/۴).

نهی نموده است، تقوا پیشه کند، در امر او برای او راه فراری قرار می‌دهد و از جایی که فکرش را نمی‌کند به او روزی می‌دهد به این معنا که از جایی که به ذهنش خطور نمی‌کند»^(۱).

چه عظیم و بزرگ است نتیجه‌ی تقوا! عبد الله بن مسعود رضی الله عنه گفته است: «بزرگترین آیه‌ای در قرآن که گشایش در آن بیان شده است: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ است»^(۲).

ب - از آنها این سخن الله جل جلاله است: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^(۳) (اگر اهل این سرزمین، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برای آنها [درهای] برکت را در آسمان و زمین باز می‌نمودیم. ولی [حقیقت را] تکذیب کردند و به واسطه‌ی آنچه کسب نمودند آنها را مورد مؤاخذه قرار دادیم).

پروردگار تبارک و تعالی در این آیه‌ی گرامی بیان می‌فرماید که اگر دو امر تحقق پیدا کند و آنها ایمان و تقوا می‌باشند، وی سبحانه و تعالی راه‌های خیر را بر آنها وسیع می‌گرداند و از هر طرف برای آنها آن را میسر می‌سازد. عبد الله بن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این سخن الله تعالی گفته است: ﴿لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾.

«امور خیر را بر آنها وسیع می‌گردانیم و آن را از هر طرف بر آنها میسر می‌داریم»^(۴).

(۱) تفسیر ابن کثیر ۴/۴۰۰.

(۲) تفسیر ابن کثیر ۴/۴۰۰؛ و تفسیر ابن مسعود ۶۵۱/۲.

(۳) سوره‌الاعراف آیه‌ی: ۹۶.

(۴) تفسیر أبی السعود ۳/۲۵۳.

در این آیه‌ی گرامی، وعده‌هایی از طرف الله تعالی برای اهل ایمان و تقوا می‌باشد که به شرح زیر هستند:

۱ - الله تعالی وعده‌ی باز شدن دریهای برکات را به آنها داده است و برکات جمع برکت هستند و معنای آن، آنچنان که امام بغوی گفته است، مداومت داشتن چیزی است^(۱)، یا آن چنان که امام خازن گفته است، ثابت بودن خیر الهی در چیزی است^(۲). آنچه از کلمه‌ی «برکت» برداشت می‌شود آن است که الله سبحانه و تعالی به آنها به سبب ایمان و تقوایشان چیزی را عطا می‌فرماید که خیرِ ادامه‌دار بوده و شرّی در آن وجود ندارد و بعد از آن عقوبت بدی بدنیاال آن نمی‌آید. سید محمد رشید رضا این گونه بیان داشته است: «بر مؤمنان دریهای برکت و نعمت باز می‌شود و عمل آنها در مقابل آن، شکر از الله [تعالی] و رضایتمندی از وی می‌باشد و شاد شدن از بخشش وی و استفاده از آن در راه خیر، بدون آن که شرّی در آن وجود داشته باشد و [استفاده از آن] در اصلاح نمودن بدون ایجاد فساد و پاداش آنها بر آن از طرف الله تعالی زیاد شدن نعمت و رشد آن در دنیا و نیکویی ثواب در آخرت است»^(۳).

شیخ ابن عاشور آن را این گونه تعبیر نموده است: «معنای برکت، خیر و اصلاحی است که عقوبتی به دنیاال آن در آخرت وجود ندارد و آن همان بهترین حالت‌های نعمت است»^(۴).

۲ - در این سخن الله تعالی، به صورت جمع بیان شده است: «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (برای آنها [دریهای] برکتهای آسمان و زمین را باز می‌کنیم)، و آن همان طور که شیخ ابن عاشور بیان داشته است دلیلی بر این می‌باشد که دارای تعدد نوع چیزهای مبارک می‌باشد [و یک یا دو مورد نیست]^(۵).

(۱) تفسیر البغوی ۱۸۳/۲.

(۲) تفسیر الخازن ۲۶۶/۲.

(۳) تفسیر المنار ۲۵/۹.

(۴) تفسیر التحرير والتنوير ۲۲/۹.

(۵) مرجع قبلی ۲۲/۹.

۳ - الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ﴾ (برکتهایی از آسمان و زمین) و منظور از آن همان طور که امام رازی گفته است: برکات آسمان با باران و برکات زمین با گیاهان و میوه‌ها و زیاد شدن دامها و نعمتها و حاصل شدن امنیت و سلامت است. این به خاطر آن است که آسمان مثل پدر می‌ملند و زمین به مانند مادر و از آن دو تمامی منافع و امور خیر با آفرینش الله تعالی و تدبیرش ایجاد می‌گردد^(۱).

ج — از آن اسناد این سخن الله جل جلاله است: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ﴾^(۲) (اگر آنها تورات و انجیل و آنچه بر آنها از طرف پروردگارشان نازل می‌شود را برپا می‌داشتند، از بالای سرشان و از زیر پاهایشان روزی می‌خورند. در بین آنها امتی عادل وجود دارد و تعداد زیادی از آنها اعمال بدی را انجام می‌دهند).

راستگوترین سخنگویان، پروردگار ما تبارک و تعالی ما را از اهل کتاب باخیر فرموده است که اگر آنها به تورات و انجیل و قرآن عمل می‌کردند - همان گونه که عبد الله بن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیه گفته است^(۳) - الله تعالی رزقی که از آسمان بر آنها نازل می‌شود را زیاد می‌فرماید و برای آنها بر زمین گیاه می‌رویاند^(۴).

(۱) التفسیر الکبیر ۱۲/۱۸۵، و تفسیر الخازن ۲/۲۶۶، و تفسیر التحریر و التویر ۹/۲۲.

(۲) سورة المائدة آیه ی: ۶۶.

(۳) نگاه شود: تفسیر الطبری ۱۰/۴۶۳، و المحرر الوجیز ۵/۱۵۲ - ۱۵۳، و زاد المسیر ۲/۳۹۵، و تفسیر ابن کثیر ۲/۸۶.

(۴) نگاه شود: مرجع قبلی ۲/۸۶، و تفسیر الکشاف ۱/۶۲۹ - ۶۳۰، و فتح القدر که در آن آمده است: «بیان بالا و پایین برای مبالغه در اسباب رزق برای آنها است و [همچنین] زیاد بودن آن و تعدد انواع آن» (۲/۸۵)، و تفسیر التحریر و التویر که در آن آمده است: «به این معنا که از راهی به آنها روزی داده می‌شود». (۴/۲۵۴).

شیخ یحیی بن عمر آندلسی گفته است: «منظور [الله] تعالی این است - والله أعلم - اگر آنها به آنچه در تورات و انجیل و این قرآن نازل شده است، عمل کنند به آنها از بالای سرشان و زیر پاهایشان روزی می‌دهد به این معنا که - والله أعلم - دنیا را به طور کامل به آنها می‌دهد»^(۱).

امام قرطبی در تفسیر این آیه‌ی گرامی گفته است: «به مانند این آیه، [آیات دیگری می‌باشد که همان]: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»^(۲) (و کسی که از الله [تعالی] تقوا پیشه کند برای او راه فراری قرار می‌دهیم و از جایی که نمی‌پندارد به او روزی می‌دهیم) و «وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا»^(۳) (و اگر بر راه [راست] استقامت ورزند، آب فراوانی برای آنها مهیا می‌سازیم). همچنین می‌فرماید «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»^(۴) (اگر اهل سرزمین ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برای آنها [دربهای] برکت را در آسمان و زمین باز می‌نمودیم) و [الله] تعالی تقوا را از اسباب رزق قرار داده است، همان گونه که در این آیات آمده است و در صورت شکر نمودن، وعده به زیاد کردن آن داده است و می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^(۵) (و هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت که اگر شکر نمایید برای شما زیاد می‌فرماید)^(۶). در نتیجه تمامی افرادی که اشتیاق به روزی وسیع و زندگی راحت دارند، باید خودشان را از گناه باز بدارند و به اوامر الله تعالی عمل نمایند و از آنچه وی نهی فرموده است، خودداری کنند و خودشان را از آنچه که باعث مجازات می‌شود، مانند انجام کار زشت و ترک کار نیک، باز دارند.

(۱) «کتاب النظر والأحكام فی جمیع أحوال السوق» ص ۲۱.

(۲) سورة الطلاق آیه‌های ۲ - ۳.

(۳) سورة الجن آیه ۱۶.

(۴) سورة الأعراف آیه: ۹۶.

(۵) سورة إبراهيم قسمی از آیه ۷.

(۶) تفسیر قرطبی ۲۴۱/۶.

مطلب سوم: توکل بر الله تعالی.

از مواردی که باعث نازل شدن رزق می‌شود، توکل بر الله یکتا و والا و بی‌نیاز است.

درباره‌ی این موضوع، سه مبحث را به شرح ذیل بیان می‌داریم:

اول: منظور از توکل بر الله تعالی.

دوم: سند شرعی بر این که توکل بر الله تعالی از کلیدهای گشایش روزی است.

سوم: آیا توکل باعث می‌شود که به دنبال کسب و کار نباشیم؟

اول: منظور از توکل بر الله تعالی:

علمای امت - جزاهم الله تعالی عنا خیرا - معنای توکل را بیان داشته‌اند. به طور مثال امام غزالی گفته است: «توکل عبارت است از اعتماد قلب به چیز یگانه‌ای که توکل به آن صورت گرفته است»^(۱).

علامه مناوی گفته است: «توکل: اظهار ناتوانی و اعتماد بر چیزی است که بر آن توکل صورت گرفته است»^(۲).

ملا علی قاری منظور از توکل بر حسب حق توکل را بیان داشته است: «این را بدانید که انجام دهنده‌ای در هستی وجود ندارد، مگر الله و تمامی موجودات از مخلوقات، روزی، ضرر، نفع، فقر، ثروتمندی، مریضی، سالم بودن، مرگ و زندگی و هر چیزی که به آن موجود می‌گویند، از الله تعالی است»^(۳).

دوم: سند شرعی بر این که توکل بر الله تعالی از کلیدهای گشایش روزی است.

(۱) إحياء علوم الدين ۲۵۹/۴.

(۲) فیض التقدیر ۳۱۱/۵.

(۳) مرقاة المفاتیح ۱۵۶/۹.

امامان أحمد، ترمذی، ابن ماجه، ابن مبارک، ابن حبان، حاکم، قضاعی و بغوی از عمر بن الخطاب رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «لَوْ أَنَّكُمْ تَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ تَغْدُو خِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا»^(۱) (اگر شما آنچنان بر الله [متعال] توکل نمایید که حق توکل بر او باشد، شما را روزی می‌دهد، همان گونه که پرندگان را روزی می‌دهد، صبح گرسنه [از لانه] بیرون می‌روند و شب با شکم پر بر می‌گردند).

در این حدیث شریف سخنگوینده‌ی وحی، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است که کسی که به الله به اندازه‌ی حقش توکل پیدا کند، به مانند پرندۀ روزی داده می‌شود. چگونه است که بر کسی که زنده می‌باشد و نمی‌میرد، توکل صورت نمی‌گیرد و کسی که بر او توکل نماید، وی برایش کافی می‌باشد. الله جل جلاله می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»^(۲) (و کسی که بر الله توکل نماید، او برای وی کافی است. بی‌تردید الله

(۱) المستد، ۲۰۵، ۱/۲۴۳، و ۳۷۰، ۱/۳۱۳، و ۳۷۳، ۱/۳۰۴؛ و جامع ترمذی، أبواب الزهد، باب ما جاء فی الزهاده فی الدنيا، ۲۴۴۷، ۷/۷، و لفظ برای اوست؛ سنن ابن ماجه، أبواب الزهد، التوکل والیقین، ۴۲۱۶، ۲/۴۱۹؛ و کتاب الزهد از ابن المبارک، جزء چهارم، باب التوکل والنواضع، ۵۵۹، ص ۱۹۶ - ۱۹۷، و الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، کتاب الرقائق، باب الورع والتوکل، ذکر الأخبار عما یجیب علی الترمذی من قطع القلوب عن الخلاق بجمع العالقات فی أحوال وأسبابه، ۷۳۰، ۲/۵۰۹، و المستدرک علی الصحیحین، کتاب الرقائق ۳۱۸/۴؛ و مستد الشهاب، لو أنکم تتوکلون علی الله حق توکله، ۱۴۴۴، ۲/۳۱۹؛ و شرح السنه للبقوی کتاب الرقائق، باب التوکل علی الله عز وجل، ۳۰۱/۱۴، ۴۱۰۸.

درباره‌ی آن امام ترمذی گفته است: «این حدیث صحیح است و خرج از این وجه آن را نمی‌شناسم». (جامع الترمذی ۸/۷). حاکم درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث صحیح الاستاد است و آن را تخریج نکردند». (المستدرک علی الصحیحین ۳۱۸/۴). وافته حافظ الذهبی. (انظر: التلخیص ۳۱۸/۴).

امام بغوی درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث حسن است». شرح السنه ۳۰۱/۱۴. شیخ أحمد محمد شاکر استاد آن را صحیح دانسته است. (نگاه شود: هامش المستد ۲۴۴۳/۱). شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است. (نگاه شود به سلسله الأحادیث الصحیحه، ۳۱۰، جلد اول، جزء سوم/ صفحه‌ی ۱۲).

(۲) سورة الطلاق قسمتی از آیه‌ی ۳.

[متعال] حکمش را اجرا می‌فرماید [و] الله [تعالی] برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است).

ربیع بن خثیم در تفسیر آیه گفته است: «از هر چیزی که برای مردم تنگی دارد»^(۱).

سوم: آیا توکل باعث می‌شود که به دنبال کسب و کار نباشیم؟ بعضی از مردم می‌گویند: «وقتی کسی که به الله تعالی توکل می‌نماید، روزی داده می‌شود، پس ما نباید سعی و کوششی داشته باشیم، بلکه می‌نشینیم و تنبلی می‌کنیم و روزی ما از آسمان می‌آید».

این سخن فقط از کسی گفته می‌شود که درباره‌ی حقیقت توکل، جاهل است. پیامبر صلوات ربی و سلامه علیه توکل کننده را به پرنده‌ای تشبیه فرموده است که اول روز برای کسب روزی از لانه‌اش خارج می‌شود و آخر روز باز می‌گردد و این بدان معنا نیست که شخص به دنبال مزرعه یا کارخانه یا شغلی نباشد. او با توکل و اعتماد بر الله یکتای بی‌نیاز خارج می‌شود [و این گونه نیست که در لانه‌اش بماند و به دنبال رزق نباشد]. علمای امت - جزاهم الله تعالی عنا خیر الجزاء - ما را از این امر آگاه نموده‌اند. به طور مثال امام احمد گفته است:

«در حدیث دلیل بر این که کسب و کار باید ترک شود، وجود ندارد، بلکه دلیلی بر [کار کردن برای] طلب روزی در آن وجود دارد؛ بلکه منظور آن این است که اگر در رفت و آمد و کارهایشان بر الله [تعالی] توکل کنند و بدانند که خیر در دست اوست، بر نمی‌گردند، مگر به مانند پرندگان یا دست پر و سالم»^(۲).

(۱) شرح السنة ۲۹۸/۱۴.

(۲) نقلی از تحفه الأخوذی ۸/۷.

از امام احمد درباره‌ی مردی سوال شد که در خانه‌اش یا مسجد می‌نشیند و می‌گوید: «کاری نمی‌کنم تا روزی به تادم بیاید».

او گفت: «این مرد، در علم جاهل است، پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ رِزْقِي تَحْتَ ظِلِّ رُوحِي» (الله روزی مرا زیر سایه‌ی نیزه‌ام قرار داده است).

همچنین فرموده است: «لَوْ أَنَّكُمْ تَتَوَكَّلُونَ عَلَى اللَّهِ حَقَّ تَوَكُّلِهِ لَرَزَقَكُمْ كَمَا يَرْزُقُ الطَّيْرَ تَغْدُو خِمَاصًا وَتَرُوحُ بِطَانًا» (اگر شما آنچنان بر الله [متعال] توکل نمایید که حق توکل بر او باشد، شما را روزی می‌دهد، همان گونه که پرندگان را روزی می‌دهد، صبح گرسنه [از لانه] بیرون می‌روند و شب با شکم پر بر می‌گردند).

و بیان فرموده است که صبح می‌رود و شب بر می‌گردد، در حالی که در طلب رزق و روزی است.

همچنین گفت: صحابه [رضی الله عنهم] فعالیت می‌نمودند و در نخلستانهایشان کار می‌کردند و آنها الگو می‌باشند»^(۱).

شیخ أبو حامد گفته است: «این پندار وجود دارد که معنای توکل این است که عمل نمودن با بدن ترک شود و تدبیر با قلب ترک شود و یا بر زمین به مانند لباس کهنه‌ای که افتاده است یا گوشتی که بر تخته قصایی گذاشته می‌شود، افتاده شود. این گمان جاهلان است و این امر در دین حرام است، دین توکل کننده را ستایش نموده است، پس چگونه است که عملی به دین نسبت داده می‌شود، ولی آن عمل در دین ممنوع شده است؟

بلکه از حق پرده بر می‌داریم و می‌گوییم: «فقط توکل بر بنده‌ای تأثیر دارد که برای رسیدن به اهدافش کوشش می‌کند».

امام أبوقاسم قشیری گفته است: «بدان که محل توکل قلب است، ولی حرکت نمودن در ظاهر با توکل در قلب منافاتی ندارد و این بعد از آن است که بنده

(۱) نقلی از فتح الباری ۳۰۵/۱۱ - ۳۰۶.

می‌فهمد که رزق و روزی از طرف الله تعالی می‌باشد و اگر امری سخت باشد، آسان کردن آن با او می‌باشد»^(۱).

از دلایلی که برای این امر که توکل نمودن بر الله تعالی دلیلی برای ترک کسب و کار نمی‌باشد، حدیثی است که امامان این حیان و حاکم از جعفر بن عمرو بن أمیة از پدرش علیه السلام روایت کرده‌اند: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «شترم را رها می‌کنم و توکل می‌نمایم».

فرمود: «اعْقِلْهَا وَتَوَكَّلْ» (پای آن را ببند و [بعد] توکل کن)^(۲).

در روایتی نزد امام قضاعی می‌باشد که عمرو بن أمیة علیه السلام گفته است: گفتم: ای رسول الله! آیا شترم را ببندم و بعد بر الله [تعالی] توکل نمایم یا او را رها سازم و توکل نمایم؟.

فرمود: «قیدها و توکل» (او را ببند و توکل کن)^(۳).

خلاصه‌ی سخن این است که توکل باعث نمی‌شود که کسب و کار ترک گردد و بر شخص مسلمان واجب است که برای زندگی سعی و کوشش نماید و البته نباید به سعی و کوشش خود اعتماد داشته باشد، بلکه باید اعتقاد داشته باشد که تمامی امور از الله تعالی می‌باشد و رزق و روزی از او سبحانه و تعالی به طور یگانه می‌باشد.

(۱) نقلی از عن مرقاة المفاتیح ۱۵۷/۵.

(۲) الإحسان فی تفریب صحیح ابن حبان، کتاب الرقائی، باب الورع والتوکل، ذکر الأخبار بأن المرء یجب علیه مع توکل القلب الاحتراز بالأعضاء ضد قول من کرهه، ۷۳۱، ۵۱۰/۲، و لفظ برای اوست: المستدرک علی الصحیحین، کتاب معرفة الصحابة، ذکر عمرو بن أمیة رضی الله عنه، ۶۲۳/۳.

حافظ ذهبی درباره‌ی آن گفته است: «سند آن جید است» (التلخیص ۶۲۳/۳). حافظ هینمی به مانند آن در مجمع الزوائد و منبع الفوائد ۳۰۳/۱۰، و درباره‌ی آن گفته است: «رواه الطبرانی من طرق، و رجال أحدها رجال الصحیح غیر یعقوب بن عبد الله بن عمرو بن أمیة الضمیری، وهو ثقة» (المرجع السابق ۳۰۳/۱۰).

(۳) مسند التهاپ، «قیدها و توکل»، ۶۳۳، ۳۶۸/۱.

مطلب چهارم: جدیت نمودن بنده در عبادت الله عز وجل و خود را وقف آن نمودن.

از کلیدهای گشایش رزق و روزی این است که بنده در عبادت پروردگارش ﷻ جدیت نماید.

درباره‌ی این موضوع دو مبحث وجود دارد:

اول: منظور از جدیت در عبادت.

دوم: سند شرعی بر این که جدیت در عبادت از کلیدهای رزق و روزی است.

اول: منظور از جدیت در عبادت:

کسی نباید بپندارد که جدیت در عبادت، ترک کوشش نمودن برای کسب زندگی و نشستن شبانه روز در مسجد است، بلکه منظور از آن – والله تعالی أعلم – این است که بنده در خلال عبادت، قلب و بدن او حضور داشته باشد و برای الله یکتا خشوع و فروتنی داشته باشد، عظمت پروردگار تعالی را در قلبش حاضر داشته باشد و حس کند که در برابر پادشاهی بسیار توانا ایستاده است و آن گونه باشد که در حدیث شریف آمده است: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَلْيَنْهُ يَرَاكَ»^(۱) (این که الله را به گونه‌ای عبادت نمایی که گویی او را می‌بینی و اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند) و نباید به گونه افرادی بود که بدنهای آنها در مسجد است و قلب آنها در خارج آن است. ملا علی قاریء در شرح این سخن پیامبر ﷺ گفته است: «تفرغ لعبادتی (جدیت در

(۱) نگاه شود: صحیح مسلم، کتاب الإیمان، باب بیان الإیمان والإسلام والإحسان... قسمتی از

عبادت من و خود را وقف آن نمودن؛ به معنای آن است که قلبت را برای عبادت پروردگارت، فارغ از هر چیزی بگردانی»^(۱).

دوم: سند شرعی بر این که جدیت در عبادت از کلیدهای رزق و روزی است: درباره‌ی آن که جدیت در عبادت الله ﷻ از کلیدهای روزی می‌باشد، چندین نصوص وجود دارد و آنها عبارتند از:

أ - آنچه أحمد، ترمذی، ابن ماجه و حاکم از ابوهریرهؓ روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: يَا ابْنَ آدَمَ تَفَرَّغْ لِعِبَادَتِي أَمَلًا صَدَرَكِ غَنًى وَأَسَدٌ فَفَرَّكَ وَإِلَّا تَفْعَلْ مَلَأْتُ يَدَيْكَ شُغْلًا وَلَمْ أَسُدَّ فَفَرَّكَ»^(۲) (الله تعالی می‌فرماید: ای فرزند آدم! در عبادت من جدیت داشته باش [که در نتیجه‌ی آن] سینه‌ات را از بی‌نیازی پُر می‌کنم و جلوی نیازمندی‌ات را می‌گیرم و گر این کار را ننمایی، تو را دچار مشغولیت می‌نمایم و جلوی بی‌نیازت را نمی‌گیرم).

پیامبر گرامی راستگوی تصدیق شده ﷺ در این حدیث شریف بیان می‌دارد که الله تعالی برای کسی که در عبادتش جدیت نماید، دو پاداش قرار داده است و کسی که این جدیت را نداشته باشد را به دو شکل مجازات می‌فرماید.

(۱) مرقاة المفاتیح ۲۶/۹، تحفة الأحوذی در آن آمده است: «تفرغ من مهماتک لطاعتی». (۱۴۰/۷).

(۲) المستد، ۸۶۸۱، ۲۸۴/۱۶؛ و جامع الترمذی، أبواب صفة القيامة، باب، ۲۵۸۴، ۱۴۰/۷، و لفظ برای اوست؛ سنن ابن ماجه، أبواب الزهد، الهم بالدنيا، ۴۱۵۹، ۴۰۸/۲؛ المستدرک علی الصحیحین، کتاب التفسیر، ۴۴۳/۲.

درباره‌ی آن امام ترمذی گفته است: «این حدیث حسن غریب است» (جامع الترمذی ۱۴۱/۷).

امام حاکم درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث صحیح الإسناد است و آن تخریج نکرده‌اند».

(المستدرک ۴۴۳/۲)، و وافقه حافظ. (نگاه شود: التلخیص ۴۴۳/۲).

شیخ آلبنی درباره‌ی آن گفته است: «صحیح». (صحیح سنن الترمذی ۳۰۰/۲؛ سنن ابن ماجه ۳۹۳/۲).

اما پاداشها دو مورد هستند و آنها: الله تعالی قلب کسی که [در عبادت] جدیت می‌نماید را با بی‌نیازی پُر می‌کند و از نیازش به مردم جلوگیری می‌کند. اما دو مجازات: کسی که در عبادتش جدیت نداشته باشد در زندگی او مشغولیت ایجاد می‌کند و جلوی نیازمندی او را نمی‌گیرد و به مردم نیازمند باقی می‌ماند.

ب - از آنها روایتی است که امام حاکم از معقل بن یسار رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «يقول ربکم تبارک و تعالی: یا ابن آدم! تفرغ لعبادتی أَملاً قلبک غنی، وأَملاً یدیک رزقا. یا ابن آدم! لا تباعدنی فاملاً قلبک فقرا، وأَملاً یدیک شغلاً»^(۱) (پروردگارتان تبارک و تعالی می‌فرماید: ای فرزند آدم! در عبادت من جدیت داشته باش! قلبت را از بی‌نیازی پُر می‌کنم و دستت را از روزی پُر می‌نمایم. ای فرزند آدم! از من دور مشو! که قلبت را از نیازمندی پُر می‌کنم و در دست مشغولیت قرار می‌دهم).

در این حدیث شریف سخنگوی وحی، رسول گرامی ما صلی الله علیه و آله باخبر می‌سازد که الله تعالی، همان کسی که بهتر از او کسی به وعده‌اش وفا نمی‌کند، برای کسی که در عبادتش جدیت داشته باشد دو پاداش می‌دهد و آنها: پُر کردن قلبش از بی‌نیازی و دستش از روزی است.

به همین ترتیب پیامبر صلی الله علیه و آله تهدید می‌نماید که الله پُر عزت و صاحب انتقام برای کسی که از او دور شود، دو مجازات قرار می‌دهد و آنها: قلبش را پُر از نیازمندی می‌کند و در دستش مشغولیت قرار می‌دهد.

آنچه که معلوم است این است که کسی که الله بی‌نیاز کننده‌ی جل جلاله، قلبش را بی‌نیاز گرداند، هرگز نیازمندی به آن نزدیک نمی‌شود و کسی که الله دارای قدرت و قدرتمند، دست او را از روزی پُر کند، هرگز فقیر نمی‌شود. کسی که الله قادرِ مقتدرِ پادشاه پُر عزت، قلبش را از نیازمندی پُر کند، هیچ کس

(۱) المستدرک علی الصحیحین، کتاب الرقاق، ۳۲۶/۴، امام حاکم درباری آن گفته

است: «این حدیث صحیح الإسناد است و آن را تخریج نکرده‌اند». (مرجع قبلی ۳۲۶/۴).

واقعه حافظ ذہبی. (نگاه شود: التلخیص ۳۲۶/۴). شیخ آلایاتی گفته است: «آن

همان گونه است که آن دو گفته‌اند». (مسلسلة الأحادیث الصحیحة، ۱۳۵۹، ۳/۳۴۷).

نمی‌تواند قلب او را بی‌نیاز گرداند و کسی که الله مسلطِ چیره او را مشغول دارد، هیچ کس نمی‌تواند برای او فراغت ایجاد نماید.

مطلب پنجم: تداوم دادن به حج و عمره

از اعمالی که الله جل جلاله آنها را از کلیدهای گشایش رزق و روزی قرار داده است، تداوم دادن به حج و عمره است. این موضوع را با دو مبحث بیان می‌داریم:

اول: منظور از مداومت دادن به حج و عمره.

دوم: سند شرعی بر این که مداومت دادن به حج و عمره از کلیدهای رزق و روزی است.

اول: منظور از مداومت دادن به حج و عمره:

شیخ أبو الحسن سندی مداومت دادن به حج و عمره را این گونه بیان می‌دارد: «یکی را بعد از دیگری قرار بدهید و آن را در پشت آن اجرا کنید، به این معنا که اگر حج کردید، بعد از آن عمره نمایید و اگر عمره نمودید، بعد از آن حج بجا آورید و آنها یکی بعد از دیگری می‌باشند»^(۱).

دوم: سند شرعی بر این که مداومت دادن به حج و عمره از کلیدهای رزق و روزی است.

(۱) حاشیه الإمام السندی علی سنن الترمذی ۱۱۵/۵ و فیض القدر للمناوی ۲۲۵/۳.

احادیث شریفی که دلیلی بر این می‌باشند که تداوم دادن به حج و عمره از کلیدهای رزق می‌باشند، بدین شرح هستند:

الف- آنچه امامان أحمد، ترمذی، نسائی، ابن خزیمه و ابن حبان از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه آورده‌اند که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»^(۱) (حج و عمره را یکی بعد از دیگری قرار دهید که آن دو فقر و گناهان را پاک می‌کنند، همان گونه که کوره‌ی آهن‌گری خبثت را از آهن و طلا و نقره پاک می‌گرداند و برای حج کامل [و قبول شده] پاداشی وجود ندارد، مگر بهشت).

در این حدیث شریف، راستگوی تصدیق شده، سخنگوی وحی صلی الله علیه و آله بیان فرموده است که میوه‌ی انجام حج و عمره‌ی پی‌درپی از بین رفتن فقر و گناهان است. عنوان آن در صحیح امام ابن حبان بدین شکل است: «ذَكَرَ نَفَى الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ الذُّنُوبَ وَالْفَقْرَ عَنِ الْمُسْلِمِ بَعْدَهُمَا»^(۲) (بیان آن که حج و عمره گناهان و فقر را از مسلمان نفی می‌کند).

(۱) المسند، ۳۶۶۹، ۲۴۴/۵ - ۲۴۵؛ وجامع الترمذی أبواب الحج، باب ما جاء في ثواب الحج والعمره، ۸۰۷، ۴۵۴/۳؛ و لفظ برای اوست؛ سنن نسائی، کتاب مناسک الحج، فضل المتابعة بين الحج والعمره، ۱۱۵/۵؛ صحیح ابن خزیمه، کتاب المناسک، باب الأمر بالمتابعة بين الحج والعمره، ۴۶۴، ۱۳۰/۴؛ والإحسان إلى تفریب صحیح ابن حبان، کتاب الحج، باب فضل الحج والعمره، ۳۶۹۳، ۶/۹. درباره‌ی آن امام ترمذی گفته: «حدیث ابن مسعود رضی الله عنه حدیثی حسن صحیح غریب است» (جامع الترمذی ۴۵۵/۳).

درباره‌ی آن شیخ أحمد شاکر گفته است: «استاد آن صحیح است». (هامش المسند ۲۴۴/۵)، شیخ آل‌بانی گفته است: «حسن صحیح است». (صحیح سنن الترمذی ۲۴۵/۱، و صحیح سنن النسائی ۵۵۸/۲) و شیخ شعیب الأرناؤوط گفته است: «استاد آن حسن است». (هامش الإحسان ۶/۹).

(۲) الإحسان فی تفریب صحیح ابن حبان ۶/۹.

امام طیبی در شرح این سخن پیامبر ﷺ که گفته است: «فإنهما يتفیان الفقر والذنوب»: «از بین برنده‌ی فقر هستند مانند آن که صدقه مال را زیاد می‌کند»^(۱).

ب- از آنها روایتی است که امام نسائی از ابن عباس رضی الله عنهما آورده است که رسول الله ﷺ فرمود: «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّهُمَا يَتَفَيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَيْثُ الْحَدِيدُ»^(۲) (به حج و عمره مداومت دهید که آن دو فقر و گناهان را از بین می‌برند، همان گونه که کوره‌ی آهن‌گری خبثات را از آهن جدا می‌کند).

پس بر رغبت کنندگان به از بین رفتن فقر و گناهان است که به حج و عمره‌ی خود مداومت دهند.

مطلب ششم: صله‌ی رحم

از کلیدهای رزق و روزی صله‌ی رحم است. درباره‌ی این موضوع به کمک الله تعالی، چهار مبحث را بیان می‌داریم:

اول: منظور از صله‌ی رحم.

دوم: سند شرعی بر این که صله‌ی رحم از کلیدهای رزق است.

سوم: صله‌ی رحم در چه چیزی است؟

چهارم: کیفیت صله‌ی رحم با افرادی که اهل گناه هستند.

(۱) فیض القدير ۲۵۴۲/۳.

(۲) سنن نسائی، کتاب مناسک الحج، فضل المتابعة بين الحج والعمرة، ۱۱۵/۵.

شيخ آلبانی گفته است: «صحيح است». (صحيح سنن النسائي

۵۵۸/۲).

اول: منظور از صله‌ی رحم:

منظور از رحم، خویشاوندان است. حافظ این حجر گفته است: «الرحم با فتحه‌ی را و کسره‌ی حاء مهمله، به خویشاوندان اطلاق می‌شود و آنها کسانی هستند که دارای نسبت فامیلی هستند، چه اربث ببرند و چه اربث نبرند، و چه محرم باشند و چه محرم نباشند.

همچنین گفته شده است: آنها فقط افراد محرم هستند. قول اول ارجح است، زیرا در حالت دوم فرزندان عمو و دایی از محارم نیستند و از دایره‌ی صله‌ی رحم خارج می‌شوند و این درست نمی‌باشد»^(۱).

صله‌ی رحم - همان گونه که ملا علی قاری گفته است - منظور نیکی کردن به خویشاوندان نسبی و سببی می‌باشد و همچنین عاطفه نشان دادن به آنها و مدارا نمودن و رعایت حال آنها است^(۲).

دوم: سند شرعی بر این که صله‌ی رحم از کلیدهای رزق است.

احادیث و آثاری وارد شده است که دلیلی بر این می‌باشد که صله‌ی رحم از اسباب وسعت یافتن روزی می‌باشد. از آنها این موارد است:

الف - امام بخاری (بخاری) از ابوهریره رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَأَنْ يُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»^(۳) (کسی که خوشحال می‌شود، روزی‌اش زیاد شود و عمرش طولانی شود، پس صله‌ی رحم بجا بیاورد).

ب - از آنها حدیثی است که امام بخاری از انس بن مالک رضی الله عنه آورده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُبْسَطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُنْسَأَ لَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ

(۱) فتح الباری: ۴۱۴/۱۰.

(۲) نگاه شود: مرقاة المفاتیح ۶۴۵/۸.

(۳) صحیح بخاری، کتاب الأدب، باب من بسط له فی الرزق بصله الرحم، ۵۹۸۵، ۴۱۵/۱۰.

رَحِمَهُ»^(۱) (کسی که دوست دارد روزی او زیاد شود و عمرش طولانی شود، پس صله‌ی رحم بجا بیاورد).

در این دو حدیث شریف پیامبر گرامی ﷺ بیان فرموده است که صله‌ی رحم دو میوه دارد، آنها: وسعت یافتن روزی و زیاد شدن عمر است.

این آشکار نمودنی است که راستگوترین آفریده‌ی الله تعالی و سخن گوینده‌ی وحی ﷺ آن را انجام داده است و کسی که به این دو میوه رغبت دارد، نباید دانه‌ی آنها را بکارد و آن دانه، صله‌ی رحم است.

در اینجا است که امام بخاری برای این دو حدیث بایی قرار داده است که آن را نامیده است: «باب من بسط له فی الرزق بصله الرحم» (باب زیاد شدن رزق توسط صله‌ی رحم)^(۲).

به معنای آن که به سبب صله‌ی رحم^(۳):

امام ابن حبان این حدیث را انس بن مالک^(۴) در صحیحش قرار داده است و عنوان آن را این گذاشته است: «ذكر إثبات طيب العيش في الأمن وكثرة البركة في الرزق للواصل رحمه» (بیان اثبات زندگی نیکو و زیاد شدن برکت در رزق برای کسی که صله‌ی رحم نماید)^(۵).

ج - حدیثی است که امامان احمد، ترمذی و حاکم از ابوهریره^(۶) آورده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: «تَعَلَّمُوا مِنْ أَسَابِكُمْ مَا تَصِلُونَ بِهِ أَرْحَامَكُمْ فَإِنَّ صَلَاةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ فِي الْأَهْلِ مَثْرَأَةٌ فِي الْمَالِ مَنَسَأَةٌ فِي آثَرِهِ»^(۷) (در مورد نسیهائتان آنچه

(۱) مرجع قبلی، ۵۹۸۶، ۴۱۵/۱۰.

(۲) مرجع قبلی ۴۱۵/۱۰.

(۳) عمدة القارئ ۹۱/۲۲.

(۴) الإحسان فی تفریب صحیح ابن حبان، کتاب البر والإحسان، باب صلة الرحم وقطعها، ۱۸۰/۲.

(۵) المستد، ۸۸۵۵، ۴۲/۱۷؛ جامع الترمذی، وأبواب البر والصلة، باب ما جاء فی تعلیم النسب،

۲۰۴۵، ۹۶/۶ - ۹۷، و لفظ برای اوست؛ المستدرک علی الصحیحین، کتاب البر والصلة، ۱۶۱/۴.

امام حاکم گفته است: «این حدیث صحیح الإسناد است و آن را تخریج نکرده‌اند». (مرجع قبلی

مربوط به صله‌ی رحم می‌شود را بدانید! زیرا صله‌ی رحم [باعث ایجاد] محبت در اهل [صله‌ی رحم] و زیاد شدن مال و زیاد شدن عمر می‌شود).

در این حدیث شریف پیامبر گرامی صلوات ربی و سلامه علیه بیان فرموده است که برای صله‌ی رحم سه میوه وجود دارد و دومین آنها زیاد شدن مال می‌باشد.

د - از آنها حدیثی است که امامان عبد الله بن أحمد، بزار و طبرانی از علی بن ابی طالب علیه السلام آورده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَمُدَّ لَهُ فِي عُمْرِهِ وَيَوْسَعَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَيُدْفَعَ عَنْهُ مِيتَةُ السُّوءِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»^(۱) (کسی که خوشحال می‌شود که عمرش طولانی شود و رزقش وسیع گردد و مرگ بد به سراغ او نیاید، پس از الله تقوا پیشه کند و صله‌ی رحم بجا بیاورد).

در این حدیث شریف راستگوی تصدیق شده صلوات ربی و سلامه علیه، سه میوه برای کسی که دارای دو خصلت باشد را بیان فرموده است و آن دو: تقوا از الله تعالی و صله‌ی رحم است. یکی از آن دو که این سه فایده را می‌رساند، صله‌ی رحم است.

ه - از آنها حدیثی است که امام بخاری از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما آورده است که گفت: «مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ وَوَصَلَ رَحِمَةَ نُسَيْءٍ فِي أَجَلِهِ وَثَرَى مَالَهُ وَأَحْبَهَ أَهْلَهُ»^(۲) (کسی که از پروردگارش تقوا پیشه کند و صله‌ی رحم بجا بیاورد، اجلش به عقب می‌افتد و مالش زیاد می‌شود و اهلش او را دوست می‌دارند).

۱۶۱/۴. و وافقه حافظ ذهبی. (التلخیص ۱۶۱/۴) و شیخ أحمد محمد شاکر اسناد آن را صحیح دانسته است. (هامش المسند ۴۲/۱۷) و شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است. (صحیح سنن الترمذی ۱۹۰/۲).

(۱) المسند، ۱۲۱۲، ۲۹۰/۲؛ و مجمع الزوائد و منبع القوائد، کتاب البر صلة الرحم و قطعها، ۱۵۲/۸ - ۱۵۳.

حافظ هیشمی گفته است: «آن را عبد الله بن أحمد، والبزار، والطبرانی فی الأوسط روایت کرده‌اند، ورجال بزار صحیح است مگر عاصم بن حمزة و او قه است». (مرجع قبلی ۱۵۳/۸).

(عاصم بن حمزة): الصحيح أنه عاصم بن حمزة وكتابة (حمزة) خطأ مطبعي (هامش المسند ۲۹۰/۲). شیخ أحمد محمد شاکر گفته است: «اسناد آن صحیح است». مرجع قبلی ۲۹۰/۲.

(۲) الأدب المفرد، باب من وصل رحمه أحبه الله، رقم الحديث ۵۹، ص ۳۷.

و- اینجاست که شدت اثر صله‌ی رحم در زیاد شدن روزی و دور شدن فقر معلوم می‌شود که به فضل الله تعالی حتی گناهکاران^۱ نیز به سبب صله‌ی رحم اموالشان زیاد می‌شود و تعداد آنها بیشتر می‌شود و فقر از آنها دور می‌شود. امام ابن حبان از ابی بکر^۲ روایت کرده است که پیامبر^۳ فرمود: «إِنَّ أَعْجَلَ الطَّاعَةِ ثَوَابًا صَلَاةُ الرَّحِمِ، حَتَّى إِنْ أَهْلَ بَيْتٍ لِيَكُونُوا^(۲) فَجَرَةً، فَتَنَّمُوا أَمْوَالَهُمْ، وَيَكْثُرَ عَدَدُهُمْ إِذَا تَوَاصَلُوا، وَمَا مِنْ أَهْلٍ بَيْتٍ يَتَوَاصَلُونَ فَيَحْتَاجُونَ»^(۳) (سرپرستین اطاعتی که به آن ثواب داده می‌شود، صله‌ی رحم است، حتی اگر آن خانواده گناهکار باشند، در نتیجه‌ی صله‌ی رحم، اموال آنها رشد می‌یابد و تعداد آنها زیاد می‌شود و اهل خانواده‌ای یافت نمی‌شود که صله‌ی رحم نمایند و نیازمند باشند).

سوم: صله‌ی رحم در چه چیزی است؟

بعضی از مردم مفهوم صله‌ی رحم را به دادن مال منحصر می‌کنند. این امر صحیح نمی‌باشد. زیرا مفهوم آن وسیعتر است. آن کوشش نمودن برای رساندن خیر به خویشاوندان و دفع شر از آنها می‌باشد و یکسان که با دادن مال

^۱ - همان طوری که در حدیث صحیح آمده است: همه‌ی مردم خطاکار می‌باشند و بهترین خطاکاران بسیار توبه کنندگان هستند. ولی منظور ما در این کتاب از گناهکاران و گناهانی است که به عمد انجام می‌شود و در آن اصرار وجود دارد. (مترجم)

(۲) (لیکونوا) شیخ شعب الأرنؤوط گفته است: «كَذَا الْأَصْلِ، وَالْجَادَةِ: (الْيَكُونُونَ) كَمَا فِي «مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» ص ۴۵ از خرائطی، زیرا فعل مرفوع است، و جایز است نون حذف شود، برای تخفیف در شعر و نثر غیر از ناصب است و نه جازم شبیه آن به ضمه است». (هامش الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان ۱۸۳/۲).

(۳) الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان. کتاب البر والإحسان. باب صلة الرحم وقطعها. رقم الحديث ۲۴۰، ۱۸۲ - ۱۸۳. و شیخ شعب الأرنؤوط حدیث را در ضوء التواضع التي أوردها فی هامش الإحسان صحیح دانسته است. (۱۸۳/۲ - ۱۸۴).

صورت گیرد و یا با دیگر اعمال. امام ابن ابی حمزة گفته است: «صله‌ی رحم با دادن مال و با کمک کردن به رفع نیاز و با دفع ضرر و با خوشرویی و با دعا نمودن ایجاد می‌شود».

معنای کامل آن این است که در حد امکان به آنها خیر رسانده شود و در حد امکان از آنها شرّ دفع گردد و این بر حسب توان است^(۱).

چهارم: کیفیت صله‌ی رحم با افرادی که اهل گناه هستند:

بعضی از مردم در کیفیت صله‌ی رحم با اهل گناه دچار خطا می‌شوند و می‌پندارند که صله‌ی رحم با آنها نباید صورت گیرد و از مجالست و غذا خوردن و تعریف کردن از آنها باید دوری صورت گیرد. این امر صحیح نمی‌باشد.

آنچه شناخته شده است، این است که اسلام از نیکی کردن به خویشاوندانی که از اهل گناه می‌باشند و حتی کافران آنها منع نکرده است، همان گونه که الله ﷻ می‌فرماید: ﴿لَمَّا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾^(۲) (الله [تعالی] شما را از [دوست داشتن کافرانی] که با شما برای دین جنگ ننموده‌اند و شما را [از سرزمین‌تان] اخراج نکرده‌اند، نهی نفرموده است، تا به آنها نیکی کنید و عدالت ورزید و الله عادلان را دوست می‌دارد). آنچه دلیل می‌شود حدیثی است که اُسماء دختر ابوبکر رضی الله عنهما از رسول ﷺ نظر خواست که با مادر مشرکش صله‌ی رحم نماید یا نه، در آن آمده است: گفتیم: «مادرم نزد من می‌آید و او به نیکی به من و صله‌ی رحم با من رغبت دارد، آیا با مادرم صله‌ی رحم بکنم؟»

وی ﷺ فرمود: «تَعَمَّ صَلِّي أُمِّكَ» (بله، با مادرت صله‌ی رحم نما)^(۳).

(۱) نقلی از تخفة الأحوذی ۳۰/۶.

(۲) سورة الممتحنة آیه‌ی: ۸.

(۳) امام بخاری این حدیث را روایت کرده است. (صحیح بخاری، کتاب الهیة، باب الهدیة للمشرکین...

ولی دوستی و ارتباط با اهل کفر و گناه و همنشینی با آنها و غذا خوردن با آنها و تعریف کردن از آنها، شامل کسانی که دشمن الله تعالی هستند نمی‌باشد. الله ﷻ می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ»^(۱) (قومی را نمی‌یابی که به الله و آخرت ایمان داشته باشند و محبت و ولایت کسی را داشته باشند که با الله و رسولش دشمنی می‌کند، حتی اگر [از] پدرهایشان باشد یا پسرهایشان یا برادرانشان یا عشیره‌ی آنها).

معنای این آیه‌ی گرامی - همان گونه که امام رازی گفته است - این است که ایمان همراه محبت و دوستی دشمنان الله نمی‌باشد و این گونه است که وقتی انسان کسی را دوست می‌دارد، از دوست داشتن دشمن او خودداری می‌کند^(۲). امام مالک به همین آیه استدلال نموده است که باید با قدریه^۳ دشمنی نمود و همنشینی با آنها را ترک کرد^(۴).

امام قرطبی تعلیقی بر استدلال امام مالک آورده است:

«می‌گویم: منظور از اهل قدر تمامی اهل ظلم و دشمنی [با اسلام] هستند»^(۵). حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیه‌ی کریمه گفته است: «با دشمنان دوستی نمی‌کنند، حتی اگر از خویشاوندان باشند»^(۶).

۲۶۲۰، ۵/۲۳۳.

امام خطابی گفت است: «در آن دلیلی به صله‌ی رحم با کافران توسط مال وجود دارد، همان گونه که با مسلمان صله‌ی رحم می‌شود». (نقلی از فتح الباری ۵/۲۳۴).

(۱) سورة المجادلة قسمتی از آیه‌ی ۲۲.

(۲) التفسیر الکبیر ۲۹/۲۷۶، و فتح القدير ۵/۲۷۲.

^۳ - قدریه گروهی از اهل بدعت هستند که اعتقاد به قضاء و قدر و تقدیر ندارند. (مترجم).

(۴) نگاه شود: أحكام القرآن از ابن العربی ۴/۱۷۶۳، و تفسیر القرطبی ۱۷/۳۰۷.

(۵) مرجع قبلی ۱۷/۳۰۷، و نگاه شود: تفسیر التحرير و التوير ۲۶/۸۰.

(۶) تفسیر ابن کثیر ۴/۳۴۷.

بلکه صله‌ی رحم با آنها، باید همراه کوشش برای این باشد که آنها را از نزدیک شدن به آتش جهنم و دور شدن از بهشت، منع نمود. اگر مصلحتی در به تحقق پیوستن این هدف برتر و نهایت بزرگتر وجود نداشت، باید به آنها قطع رابطه نمود و آن همان صله‌ی رحم با آنها می‌باشد. در این باره امام ابن ابی حمزه گفته است: «اگر کافر یا فاجر باشند، قطع رابطه با آنها، همان صله‌ی رحم با آنها می‌باشد و در صورتی با آنها صله‌ی رحم صورت می‌گیرد که کوشش شود تا به آنها پند داده شود و از پس آن بدانند که دلیل آن تخلف آنها از حق می‌باشد و البته این باعث نمی‌شود که صله‌ی رحم با آنها از طریق دعا نمودن برای آنها در حالت پنهانی قطع شود، [بدین صورت که برای آنها دعا شود] که به راه درست بازگردند»^(۱).

[همان گونه که بیان شد، صله‌ی رحم نیکوکاری در حد توان با خویشاوندان می‌باشد، و این را باید بدانیم در بین خویشاوندان، کسانی که بیشتر از همه برگردن ما حق دارند، پدر و مادر می‌باشند. با سیر نمودن در وضع و حال افراد دور و اطراف ما بخوبی در می‌یابیم که از مهمترین مسائلی که به خوشبختی مردم در دنیا اثر گذار است، رابطه‌ی باپدر و مادر و رضایت‌مندی آنها از اشخاص می‌باشد].^۲

مطلب هفتم: اتفاق در راه الله تعالی

از کلیدهای گشایش رزق و روزی، اتفاق در راه الله تعالی می‌باشد.

درباره‌ی این موضوع دو مبحث را بیان می‌داریم:

اول: منظور از اتفاق.

دوم: سند شرعی برای آن که اتفاق در راه الله تعالی از کلیدهای رزق و روزی می‌باشد.

(۱) نقلی از تخفة الأحموی ۳۰/۶.

^۲ - این پاراگراف توسط مترجم اضافه شده است.

اول: منظور از انفاق:

شیخ ابن عاشور در تفسیر این سخن الله تعالی: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ» (و آنچه انفاق می‌کنید، او آن را جایگزین می‌فرماید) گفته است: «منظور از انفاق: انفاق توانگر در دین است، مانند انفاق کردن به فقیران و انفاق در راه الله [متعال] برای یاری دادن دین»^(۱).

دوم: سند شرعی برای آن که انفاق در راه الله تعالی از کلیدهای رزق و روزی می‌باشد:

نصوصی در قرآن کریم و حدیث شریف آمده است که دلیل می‌باشد که کسی که در راه الله تعالی انفاق کند، الله جل جلاله آن را در دنیا برای او جایگزین می‌کند و به همراه آن پاداش زیادی در آخرت به او عطا می‌فرماید. این بعضی از نصوصی است که بیان می‌داریم:

الف - از آنها سخن الله جل جلاله است که می‌فرماید: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»^(۲) (و آنچه انفاق می‌کنید، او جایگزین می‌فرماید و او بهترین روزی دهنده‌گان است).

حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: «معنای آن این است که آنچه انفاق کنید که به شما امر شده است و یا برای شما مباح باشد، او بدل آن را در دنیا برای شما جایگزین می‌کند و در آخرت پاداش و ثواب می‌دهد، همان گونه که در حدیث آمده است...»^(۳).

(۱) تفسیر التحرير و التویر ۲۲/۲۲۱.

(۲) سوره سبأ قسمی از آیه ۳۹.

(۳) تفسیر ابن کثیر ۵۹۵/۳ و نگاه شود: تفسیر التحرير و التویر و در آن آمده است: «ظاهر آیه این است که جایگزین شدت مال در دنیا و آخرت می‌باشد». (۲۲۱/۲۲۲).

امام رازی گفته است: «این سخن الله تعالی: ﴿وَمَا اتَّفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (ترجمه‌ی آن آمد) تحقق معنای سخن پیامبر علیه الصلاة می‌باشد که فرموده است: «مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ يَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ أَعْطِ مُنْفِقًا خَلْفًا وَيَقُولُ الْآخَرُ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمْسِكًا تَلْفًا»^۱ (روزی نیست که بندگان صبح نمایند، مگر آن که دو فرشته نازل می‌شوند و یکی از آنها می‌گوید: یا الله! برای کسی که اتفاق می‌کند، جایگزین قرار بده و دیگری می‌گوید: یا الله! برای کسی که اتفاق نمی‌کند، بی‌برکتی قرار بده!) و این به دلیل آن است که الله تعالی، پادشاهی بزرگوار و بی‌نیاز و دارای خزائن آسمان و زمین است و وقتی می‌فرماید: «اتفاق کن و جایگزین کردن آن با من است» از روی این وعده، آن لازم می‌شود و مانند آن است که بفرماید: «تو کالایت را در دریا بیانداز و تضمین آن با من است».

پس کسی که اتفاق کند شرط بدست آوردن جایگزین را بجا آورده است و کسی که اتفاق نکند، از بین رفتن مال او الزامی می‌شود و کسی که آنچه شایسته است که جایگزین آن بدست آید را انجام ندهد، [دارایی] خود را از دست داده است و آن تلف شدن مال می‌باشد.

جای تعجب اینجاست که وقتی تاجر می‌داند که مالش در معرض هلاک شدن می‌باشد، آن را به صورت نسیه هم که شده معامله می‌نماید و می‌گوید: آن بهتر از از بین رفتن مال است و اگر آن را نفروشد، اشتباه کرده است، و در این حالت است که اگر آن را به شخصی مطمئن نسیه ندهد، دلیلی بر دیوانگی وی است.

شخص این امر را می‌داند و در حالی که به دیوانگی نزدیک است در حالی که اموال ما در معرض هلاک شدن دارند [و با مرگ تمامی آنها از دست می‌روند] و اتفاق برای اهل و فرزند قرض دادن می‌باشد، باز اتفاق کرده نمی‌شود و این در حالی است که الله بی‌نیاز آن را تضمین فرموده است و می‌فرماید:

^۱ - صحیح بخاری ۱۴۴۲ و صحیح مسلم ۲۲۸۳. (مترجم)

﴿وَمَا أَتَّفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ﴾ (و آنچه که اتفاق کنید او جایگزین می‌فرماید).

این گونه است که الله تعالی زمین یا باغ یا آس یا ب یا مستراح یا منفعتی را به طور قرض در اختیار انسان قرار می‌دهد و گریزی نیست که انسان باید از آن استفاده نماید و توسط آن برای خود مال فراهم آورد و این در حالی است که تمامی آنها ملک الله تعالی می‌باشند و به طور قرض در اختیار انسان قرار گرفته‌اند و الله تعالی بیان داشته است که [اگر اتفاق صورت گیرد] آن مال تضمین می‌شود، ولی با این وجود شخص اتفاق را ترک می‌کند و مالش تلف می‌شود، نه اجر داده می‌شود و نه از وی قدردانی می‌شود^(۱).

در اینجا است که الله جل جلاله در این آیه برای وعده‌ای که به اتفاق کننده داده است که مالش را جایگزین می‌فرماید، سه ادات تأکید آورده است. در این باره ابن عاشور گفته است: «با آوردن صیغه‌ی شرط و قرار دادن جمله‌ی اسمیه و با جلو انداختن مسند الیه بر خیر فعلی با سخنش: «فَهُوَ يَخْلِفُهُ»، در این وعده سه ادات تأکید آورده شده است و دلیلی بر زیاد بودن تأکید وی برای بیان داشتن مقصود [الله] تعالی می‌باشد»^(۲).

همانا وعده‌ی پروردگار ما سبحانه و تعالی تأکید شده و حتمی و قطعی می‌باشد که شکی در تحقق یافتن آن وجود ندارد، حتی اگر آن را بدون تأکید بیان می‌فرمود، پس چگونه خواهد بود وقتی که با سه تأکید بیان فرموده است! ب - از آنها این سخن الله سبحانه و تعالی می‌باشد: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^(۳) (شیطان

(۱) التفسیر الکبیر ۲۶۳/۲۵.

۲ - ادات تأکید چیزهایی است که در هر زبان وجود دارد و توسط آنها جمله محکمت و با تأکید بیشتر بیان می‌شود، در فارسی مثل همانا، مطمئناً و حتماً و دیگر ادات می‌باشد. (مترجم)

(۳) غنیر التحریر و التنویر ۲۲۱/۲۲.

(۴) سورة البقرة آیه: ۲۶۸.

به شما وعده‌ی فقر می‌دهد و شما را به فحشاء امر می‌کند و الله به شما وعده‌ی آمرزشی از طرف وی و بخشش می‌دهد و الله گشایشگر بسیار دانا است. این عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیه‌ی گرامی گفته است: «دو چیز از طرف الله [تعالی] می‌باشد و دو چیز از طرف شیطان: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ﴾ (شیطان به شما وعده‌ی فقر می‌دهد)، می‌گوید: «ملتت را اتفاق نکن و آن را برای خودت نگهدار، زیرا به آن احتیاج خواهی داشت»، ﴿وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾ (و شما را به فحشاء امر می‌نماید) و ﴿وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ﴾ (و الله به شما وعده‌ای آمرزشی از طرف وی می‌دهد) [یعنی آمرزشی] بر گناهان، ﴿وَقَضَاءً﴾ و بخششی در رزق و روزی^(۱).

قاضی ابن عطیه در تفسیر این آیه‌ی گرامی گفته است: «(المغفرة) (آمرزش) همان پوشاندن [گناهان] بندگان در دنیا و آخرت است و «الفضل» روزی در دنیا و وسیع کردن آن و نعمتهای زیاد در آخرت است و به تمامی این موارد، الله تعالی وعده داده است»^(۲).

امام ابن قیم جوزیه در تفسیر این آیه‌ی گرامی گفته است: «این که به او وعده‌ی فقر می‌دهد از دلسوزی و خیرخواهی وی نمی‌باشد... اما الله سبحانه و تعالی به بنده‌اش وعده‌ی آمرزیدن گناهان از طرف خود را می‌دهد و [همچنین وعده می‌دهد] به بخششی که با آن، بیشتر از مالی که اتفاق شده است و حتی چند برابر آن را در دنیا و همچنین در دنیا و آخرت به او می‌دهد»^(۳).

(۱) تفسیر طبری، ۶۱۶۸، ۵/۵۷۱ و نگاه شود: التفسیر الکبیر ۶۵/۷؛ تفسیر الخازن ۱/۲۹۰ و د آن آمده است: «مغفرت اشاره به منافع آخرتی دارد و فضل اشاره به منافع دنیوی و آنچه از روزی حاصل می‌شود و جایگزین می‌گردد».

(۲) المحرر الوجیز ۲/۳۲۹.

(۳) التفسیر القیم ص ۱۶۸، و نگاه شود: فتح القدر از شوکانی ۱/۲۳۸ در آن گفته است: «فضل یعنی جایگزین شدن بیشتر از آنچه اتفاق شده است و باعث وسعت روزی می‌شود و در آخرت به آنها نعمت می‌دهد که آن برتر و بیشتر و بزرگتر و زیباتر است».

ج - از آنها حدیثی است که امام مسلم از ابوهریره رضی الله عنه آورده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا ابْنَ آدَمَ أَتَّفِقُ أَتَّفِقُ عَلَيْكَ» (الله تبارک و تعالی می‌فرماید: ای فرزند آدم! اتفاق کن تا بر تو [از طرف من] اتفاق شود)^(۱).
 الله اکبر! چه پیمانی از این محکمتر برای کسی که در راه الله تعالی اتفاق می‌کند! و چه راهی آسانتر و راحت‌تر از این برای بدست آوردن رزق وجود دارد! بنده در راه الله تعالی اتفاق می‌کند و کسی که ملکوت تمامی چیزها در دست اوست، به وی اتفاق می‌فرماید. اگر بنده تا آنجا که در توان دارد اتفاق کند، کسی که خزائن آسمانها و زمین و ملکوت تمامی چیزها برای اوست به وی اتفاق خواهد نمود و این از جلال، عظمت و قدرت او می‌باشد.

امام نووی گفته است: «سخن [الله] عز وجل: «أَتَّفِقُ أَتَّفِقُ عَلَيْكَ» (اتفاق کن تا بر تو [از طرف من] اتفاق شود) همان معنای سخن [الله] عز وجل است که می‌فرماید: «وَمَا أَتَّفِقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِقُهُ» (و آنچه اتفاق کنید او جایگزین می‌نماید) و تضمینی برای تشویق به اتفاق است که از امور خیر می‌باشد و بشارتی است بر جایگزین شدن آن به فضل الله تعالی»^(۲).

د - از آنچه دلیل می‌شود که اتفاق در راه الله تعالی از کلیدهای رزق و روزی می‌باشد، حدیثی است که امام بخاری (بخارایی) از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَا مِنْ يَوْمٍ يُصْبِحُ الْعِبَادُ فِيهِ إِلَّا مَلَكَانِ يَنْزِلَانِ فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا اللَّهُمَّ أَعْطِ مُتَّقًا خَلْفًا وَيَقُولُ لِلْآخَرِ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُمَسِّكًا تَلَفًا»^(۳) (روزی نیست که بندگان صبح نمایند، مگر آن که دو فرشته نازل می‌شوند و یکی از

(۱) صحیح مسلم، کتاب الزکاة، باب الحث علی التَّفَقُّعِ وَتَبَشِيرِ الْمُنْفِقِ بِالْخُلْفِ، رقم الحدیث ۳۶ (۹۹۳).

۶۹۰/۲ - ۶۹۱.

(۲) شرح نووی ۷/۷۹.

۳ - صحیح بخاری ۱۴۴۲ و صحیح مسلم ۲۳۸۳ (مترجم).

آنها می‌گوید: یا الله! برای کسی که اتفاق می‌کند، جایگزین قرار بده و دیگری می‌گوید: یا الله! برای کسی که اتفاق نمی‌کند، بی‌برکتی قرار بده! ^(۱).

در این حدیث شریف پیامبر گرامی ﷺ بیان فرموده است که هر روز، دو فرشته برای کسی که اتفاق می‌کند، دعا می‌نمایند به این که الله تعالی برای آن جایگزین قرار دهد. منظور از آن - همان گونه که ملا علی قاری گفته است - این است که برای آن جایگزین بزرگی وجود دارد و آن جایگزینی نیکو می‌باشد یا آن که جایگزینی در دنیا و عوضی در آخرت قرار می‌دهد، زیرا الله تعالی می‌فرماید: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» ^(۲) (و آنچه اتفاق می‌کنید او جایگزین می‌نماید و او بهترین روزی دهندگان است).

آنچه که معلوم است این است که دعای ملائک استجابت می‌شود، زیرا آنها برای کسی دعا نمی‌کنند، مگر به اجازه‌ی الله جل جلاله. الله تعالی می‌فرماید: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى وَهُمْ مِنْ خَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ» ^(۳) (و شفاعت نمی‌کنند، مگر برای کسی که [الله تعالی] بیسندد و آنها از خشیه‌ی او هراسان هستند).

ه - از آنها حدیثی است که امام بیهقی از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده است که پیامبر ﷺ فرمود: «أَنْفَقَ يَا بِلَالُ وَلَا تَخْشَ مِنْ ذِي الْعَرْشِ إِفْلَاحًا» ^(۴) (یا بلال! اتفاق کن! و از کم گذاشتن کسی که صاحب عرش است، ترس نداشته باش!).

(۱) صحیح بخاری، کتاب الزکاة، باب قول الله تعالی: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى...» اللهم أعط متفق ماله خلفا، رقم الحديث ۱۴۴۲، ۳۰۴/۳.

(۲) مرقاة المفاتیح ۳۶۶/۴. سید محمد رشید رضا گفته است: «معنای این دعوت آن است که از ستنهای الله [تعالی] است که برای اتفاق کننده آسانی در رزق قرار می‌دهد و منزلت او را در قلبها زیاد می‌کند و آن را بر کسی که اتفاق نمی‌کند، ممنوع می‌گرداند». (تفسیر المنار ۷۴/۴).

(۳) سورة الانبیاء قسمتی از آیه‌ی: ۲۸.

^۴ - خشیه به معنای ترس از ابهت و عظمت می‌باشد. (مترجم)

(۵) بیهقی در شعب الإیمان. (نگاه شود: مشکاة المصابیح، کتاب الزکاة، باب الإتیاق وکراهیه الإمساک، ۱۸۸۵ یا اختصار، ۵۹۰/۱ - ۵۹۱).

شیخ آلبنی گفته است: «حدیث با طرقتن صحیح است». (هامش مشکاة المصابیح ۵۹۱/۱).
نگاه شود: مجمع الزوائد و منبع الفوائد ۱۲۶/۳، و کشف الخفاء و مزیل الإلیاس ۲۴۳/۱ - ۲۴۴، و تنقیح الرواة فی تخریج أحادیث مشکاة از شیخ أحمد حسن دهلوی ۱۹/۲.

چه تضمین و امنیتی بیشتر از این برای اتفاق کننده در راه الله تعالی وجود دارد! آیا صاحب عرش جل جلاله کسی را که در راهش سبحانه و تعالی اتفاق می‌کند، خوار می‌گرداند و فقر و نابودی او را از بین نمی‌برد؟ به عزت پروردگار ما و جلالتش قسم می‌خورم که هرگز این گونه نمی‌باشد!

ملا علی قاری در شرح این حدیث گفته است: «(إِقْلَالًا): به معنای فقر و ناداری است و به این معنا است که آیا می‌ترسی که مالت ضایع شود، در حالی که او امور را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌فرماید؟

به این معنا که آیا می‌ترسی که امیدت بر باد رود و روزی‌ات از رحمت کسی کم شود که به اهل آسمان و زمین، به مؤمن و کافر و به پرندگان و حیوانات نعمت می‌دهد؟»^(۱).

و - برای این امر چه بسیار شاهدهای در کتابهای سنت، سیره، تفسیر و تاریخ وجود دارد و حتی در زمان حال حاضر نیز شواهدی وجود دارد که دلیلی بر این می‌شود که الله تعالی رزق کسی را که در راهش اتفاق می‌کند، جایگزین می‌نماید. به طور اقتصار یک شاهد از این مورد را بر اساس خواسته‌ی الله تعالی برای شما بیان می‌داریم:

از ابوهریره رضی الله عنه آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مردی در بیابانی بر روی زمین بود و از ایر صدایی شنید که گفت: «باغی فلانی را آبیاری کن!».

ایر قصد او را نمود و آبش را بر زمینی که دارای سنگهای سیاه بود ریخت و تمامی آبش در نهری جاری شد، به دنبال آب رفت و ناگهان مردی را در باغش دید، که مسیر آب را تنظیم می‌کرد و به او گفت: «ای بنده‌ی الله! اسم تو چیست؟».

گفت: «فلانی»، همان اسمی که از ایر شنیده بود.

به او گفت: «ای بنده‌ی الله! چرا از من، اسمم را پرسیدی؟».

(۱) مرقاة المفاتیح ۴/۳۸۹.

گفت: من صدایی را از ابری که این آب آن است شنیدم که می‌گفت: «باغ فلانی را آبیاری کن!» و آن اسم تو بود، در آن چه کار می‌کنی؟

گفت: «حالا که این گونه می‌گویی، من به آنچه از آن می‌روید می‌نگرم و یک سوم آن را صدقه می‌دهم و یک سوم آن را من و خانواده‌ام می‌خوریم و از یک سوم آن برای زراعت استفاده می‌نمایم»^(۱).

در روایتی دیگر آمده است: «و یک سوم آن را برای فقیران و گدایان و در راه مانده قرار می‌دهم»^(۲).

امام نووی گفته است: «در [این] حدیث فضیلت صدقه و نیکوکاری به فقیران و در راه ماندگان بیان شده است و [همچنین] فضیلت خوردن انسان از دسترنجش خودش و اتفاق کردن به خانواده»^(۳).

مطلب هشتم: اتفاق کردن به کسی که خود را وقف بدست آوردن علم شرعی نموده است.

از کلیدهای رزق و روزی اتفاق کردن برای کسی است که خود را وقف بدست آوردن علم شرعی نموده است. دلیل آن حدیثی است که امامان ترمذی و حاکم از انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده‌اند: دو برادر در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله بودند، یکی از آنها نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آمد [و علم شرعی بدست می‌آورد] و دیگری مشغول کار بود [و هر دوی آنهاجا درآمد آن که کار می‌کرد، روزی می‌خوردند]، آن که مشغول کار بود از برادرش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت نمود، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لَعَلَّكَ تُرَزَّقُ بِهِ» (باشد که تو برای او روزی داده می‌شوی)^(۴).

(۱) صحیح مسلم، کتاب الزهد والرفاق، باب الصدقة علی المساکین، ۴۵ (۲۹۸۴)، ۲/۲۲۸۸.

(۲) مرجع قبلی ۲/۲۲۸۸.

(۳) شرح نووی ۱۸/۱۱۵.

(۴) جامع ترمذی، أبواب الزهد، باب ما جاء فی الزهاده فی الدنيا، ۲۴۴۸، ۸/۷، و لفظ برای اوست؛

المستدرک علی الصحیحین، کتاب العلم، ۹۳/۱ - ۹۴.

در این حدیث شریف. پیامبر گرامی صلوات ربی و سلامه علیه برای کسی که به سبب مشغول بودن برادرش به علم شرعی و ترک کردن او به تنهایی برای کار کردن، بیان فرموده است که او به سبب اتفاق نمودن به برادرش توسط کاری که انجام می‌دهد، روزی داده می‌شود و چه بسا که الله تعالی درب روزی را برای او به سبب اتفاق به برادرش که خود را وقف کسب علم شرعی نموده بود، باز نموده باشد.

ملا علی قاری در شرح این سخن پیامبر ﷺ گفته است: «لعلک ترزق به» با صیغه‌ی مجهول آمده است به این معنا که: «امید دارم و یا می‌ترسم که تو به برکت او روزی داده می‌شوی، زیرا روزی او با شغل تو تأمین می‌شود و برای کاری که انجام می‌دهی بر او منت قرار نده»^(۱).

علامه طیبی گفته است: معنای «لعل» در سخن ﷺ «لعلک» جایز است که به رسول الله ﷺ و افاده‌ی قطع و توییح می‌کند، همان گونه که آمده است: «فهل ترزقون إلا بضعاثکم» (آیا روزی داده نمی‌شوید، مگر به خاطر ضعیفان) و به مخاطب بر می‌گردد تا او را به تفکر و تأمل وادار کند تا درباره‌ی حق خودش انصاف داشته باشد^(۲).

بعضی از علماء^(۳) بیان داشته‌اند که کسانی که به دنبال کسب علم شرعی هستند از جمله کسانی هستند که الله تعالی درباره‌ی آنها می‌فرماید: «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ

امام حاکم گفته است: «این حدیث صحیح به شرط مسلم است، و راویان آن ثقات هستند و آن را تخریج نکرده‌اند». (المرجع السابق ۹۴/۱).

واقفه حافظ ذهبی. (التلخیص ۹۴/۱). و شیخ آل‌بانی گفته است: «صحیح است». (صحیح سنن الترمذی ۲۷۴/۲).

(۱) مرقاة المفاتیح ۱۷۱/۹.

(۲) مرقاة المفاتیح ۱۷۱/۹.

(۳) نگاه شود: تفسیر المنار ۸۸/۳.

مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ»^(۱) [این صدقه] برای نیازمندی است که در راه الله باز مانده‌اند و توان سفر در زمین را ندارند. به علت خجالت و شرم آنها، جاهل می‌پندارد که آنها بی‌نیاز هستند [و] تو آنها را از چهره‌شان می‌شناسی، با اصرار چیزی از مردم نمی‌خواهند و آنچه از خیر اتفاق کنید، الله [متعال] به آن بینا است. امام غزالی گفته است: «برای او شایسته است که طلب صدقه نماید از کسی که صدقه می‌دهد، زیرا او از اهل علم می‌باشد و این کمک کردن به او برای علم می‌باشد و علم کسب کردن از بالاترین عبادتها است اگر نیت در آن سالم باشد. این مبارک به شناخت اهل علم تخصیص داده است. به او گفته شد: «اگر بزرگ شناخته نشود [چه می‌شود؟]».

او گفت: «بعد از مقام نبوت، مقامی بالاتر از مقام علماء نمی‌شناسم. اگر قلب کسی از آنها به چیزی مشغول شود، نمی‌تواند خود را وقف علم نماید و نمی‌تواند علم کسب کند. پس وقف علم شدن آنها بالاتر است»^(۲).

مطلب نهم: نیکوکاری به ضعیفان.

از کلیدهای رزق و روزی نیکوکاری به فقیران است. پیامبر گرامی ﷺ بیان فرموده است که بندگان به سبب ضعیفانشان یاری می‌شوند و به آنها روزی داده می‌شود.

امام بخاری از مصعب بن سعد^(۳) روایت کرده است که گفت: سعد^(۴) این گونه دید که برای او فضیلتی بر دیگران وجود دارد و رسول الله ﷺ فرمود: «هَلْ تُتَصَرَّوْنَ وَتَرْزُقُونَ إِلَّا بِضُعْفَانِكُمْ»^(۵) (آیا جز برای ضعیفان [بر علیه دشمنان] یاری می‌شوید و به شما روزی داده می‌شود).

(۱) سوره البقرة آیه: ۲۷۳.

(۲) نقلی از تفسیر القاسمی: ۲۵۰/۳.

(۳) صحیح بخاری (المطبوع مع عمدة القاری)، کتاب الجهاد والسير، باب من استعان بالضعفاء

تشویق فرموده است به یاری الله تعالی و روزی دادن وی جل جلاله با گرامی داشتن ضعیفان و نیکوکاری با آنها.

پیامبر گرامی ﷺ همچنین بیان فرموده است که رضایتمندی وی [از مسلمانان] با نیکوکاری به فقراء بدست می آید. امامان احمد، ابو داود، ترمذی، نسائی، ابن حبان و حاکم از ابودرداء رضی الله عنه روایت کرده اند که رسول الله ﷺ فرمود: «بُغُونِي الضُّعْفَاءَ فَإِنَّمَا تُرْزَقُونَ وَتُنْصَرُونَ بِضَعْفَائِكُمْ»^(۱) (رضایتمندی مرا با نیکی به فقرا بدست بیاورید، فقط برای ضعیفان روزی داده می شوید و یاری می شوید).

ملا علی قاری در شرح سخن پیامبر ﷺ گفته است: «بغونی فی ضعفائکم»: رضایتمندی مرا با نیکوکاری به فقیران بدست بیاورید^(۲).

کسی که کوشش نماید تا رضایتمندی [الله] روزی دهنده ی صاحب قدرت ﷻ را با نیکوکاری به فقیران بدست آورد، پروردگار او جل جلاله او را بر دشمنانش یاری می فرماید و به او روزی می دهد.

والصالحين في الحرب، ۱۰۸، ۱۷۹/۱۴.

(۱) المستد ۱۹۸/۵ (چاپ. المکتب الإسلامی)، سنن أبی داود، کتاب الجهاد، باب الانتصار بربال الخيل والضعفة، ۲۵۹۱، ۱۸۳/۷، جامع الترمذی، وأبواب الجهاد، باب ما جاء في الاستفتاح بضعاليك المسلمين، ۱۷۵۴، ۲۹۱/۵، و لفظ برای اوست؛ سنن النسائی، کتاب الجهاد، الانتصار با ضعف، ۴۵/۶ - ۴۶؛ الإحسان فی تفریب صحیح ابن حبان، کتاب السير، باب الخروج وكيفية الجهاد، ذکر استحباب الانتصار بضعفاء المسلمين عند قيام الحرب علی ساق، ۲۷۶۷، ۸۵/۱۱، والمستدرک علی الصحيحين، کتاب الجهاد، ۱۰۶/۲.

امام ترمذی گفته است: «این حدیث حسن صحیح است». (جامع الترمذی ۲۹۲/۵). و امام حاکم آن را صحیح دانسته است. (المستدرک ۱۰۶/۲) و وافقه حافظ ذهبی. (التلخیص ۱۰۶/۲).

شیخ آلبنی آن را صحیح دانسته است. (صحیح سنن أبی داود ۴۹۲/۲، صحیح سنن الترمذی ۱۴۰/۲، صحیح سنن النسائی ۶۶۹/۲، و سلسلة الأحادیث الصحيحة، ۷۷۹، ۴۲۲/۲).

(۲) نگاه شود: مرقاة المفاتیح ۸۴/۹.

مطلب دهم: هجرت در راه الله تعالی

الله ﷻ هجرت در راهش سبحانه و تعالی را کلیدی از کلیدهای رزق و روز قرار داده است.

درباره‌ی این موضوع به توفیق الله تعالی دو مبحث را بیان می‌داریم:

اول: منظور از هجرت در راه الله تعالی.

دوم: سند شرعی برای این که هجرت در راه الله تعالی از کلیدهای رزق و روزی می‌باشد.

اول: منظور از هجرت در راه الله تعالی:

هجرت: - همان گونه که امام راغب اصفهانی^(۱) گفته است - خارج شدن از سرزمین کفر به سوی سرزمین ایمان است، به مانند [کسانی که قبل از فتح مکه] از مکه به مدینه رفتند.

واجب است - همان گونه که سید محمد رشید رضا^(۲) گفته است - هجرت حقیقی در راه الله تعالی صورت گیرد و آن وقتی است که هجرت کننده، نیش کسب رضایت‌مندی الله تعالی با برپا داشتن دینش همان گونه که ذات تعالی می‌خواهد، باشد و اهل او، همان مؤمنان را، بر کافرانی که به آنها ظلم نموده‌اند، یاری نماید.

دوم: سند شرعی برای این که هجرت در راه الله تعالی از کلیدهای رزق و روزی می‌باشد:

از آنچه دلیل می‌باشد که هجرت در راه الله تعالی از سبب رزق و روزی است، سخن الله جل جلاله است که می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي

(۱) المفردات فی غریب القرآن، ماده‌ی «هجر»، ص ۵۳۷ و نگاه شود: تحریر ألفاظ التنبيه ص ۳۱۳، و کتاب التعريفات ص ۲۷۷.

(۲) نگاه شود: تفسیر المنار ۳۵۹/۵.

الْأَرْضِ مُرَاغِمًا كَثِيرًا وَسَعَةً»^(۱) (و کسی که در راه الله هجرت کند، بر روی

زمین اقامتگاه‌های زیاد و گشایشی [در امور دین و دنیا] خواهد یافت).

این آیهی گرامی، وعدهی الله تعالی به کسی است که اگر در راهش سبجانه و تعالی هجرت کند و در نتیجهی آن دو چیز را می‌یابد: اولین آنها: «مُرَاغِمًا كَثِيرًا»، و دومین آنها: «سَعَةً» است.

منظور از امر اول، همان گونه که امام رازی گفته است: «معنای (مراغما) این است: کسی که در راه الله به سرزمینی دیگر هجرت نماید در آن سرزمین خیر و نعمتی را بدست می‌آورد که باعث به خاک مالیده شدن بینی دشمنانش که همراه او در سرزمین اصلی‌اش بودند می‌شود. آن وقتی است که او [از آنها] جدا می‌شود و به سرزمین بیگانه می‌رود و در آن استقامت می‌ورزد، خیر او به اهل سرزمین [اصلی]‌اش می‌رسد و آنها از بدی رفتارشان با او شرمگین می‌شوند و به همین دلیل بینی آنها با خاک مالیده می‌شود»^(۲).

منظور از امر دوم «سعة» وسعت در رزق و روزی است. این تفسیری است که از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما در تفسیر این آیه آمده است و [همچنین] از ربیع، ضحاک^(۳)، عطاء^(۴) و جمهور علمای امت رسیده است^(۵).

(۱) سورة النساء قسمتی از آیهی ۱۰۰.

(۲) التفسیر الکبیر ۱۵/۱۱، و نگاه شود: تفسیر القاسمی ۴۰۷/۵، و تفسیر التحریر و التنویر ۱۸۰/۵، در آن آمده است: «معنای آن این است که مکانی را می‌یابد که کسی که او را آزار داده است را به خاک می‌مالد و به این معنا که با آزادی‌اش بر قومش غلبه می‌یابد، همان گونه که به او زور کرده بودند که بر کفر بماند».

(۳) نگاه شود: المحرر الوجیز ۲۲۸/۴، و زاد المسیر ۱۷۹/۲، و تفسیر قرطبی ۳۴۸/۵.

(۴) نگاه شود: فتح القدیر ۷۶۴/۱.

(۵) نگاه شود: زاد المسیر ۱۷۹/۲، و روح المعانی ۱۲۷/۵، و تفسیر المنار ۳۵۹/۵، و أیسر التفاسیر ۴۲۵/۱.

قتاده گفته است: «معنای سعة: رفتن از گمراهی به سوی هدایت و از فقر به ثروتمندی می‌باشد»^(۱).

امام مالک گفته است: «السعة وسعت سرزمین است»^(۲).

امام قرطبی تعلیقی بر این سه سخن آورده است:

«این - سخن امام مالک - به فصاحت عرب نزدیکتر است، و وسعت یافتن زمین و زیاد شدن والایی شامل وسعت یافتن رزق و از بین رفتن غمها و مشغولیات فکری و دیگر چیزهایی که گشایش در آنها اتفاق می‌افتد، می‌باشد»^(۳).

با هر کدام از این سخنها سه گانه در می‌یابیم که برای هجرت کننده‌ی در راه الله تعالی وعده‌ی زیاد شدن روزی وجود دارد، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم.

[الله] قادر مقتدر جل جلاله وعده‌ی حقی داده است که در آن خلف وعده نمی‌نماید. پس چه کسی بهتر از الله تعالی به وعده‌اش وفا می‌فرماید؟ عالم این وعده را تصدیق کرد است و دائما شاهد آن است.

اما هجرت مهاجرین از صحابه‌ی رسول گرامی ﷺ به مدینه‌ی منوره، تاریخ اسلامی را شروع نمود. آنان دیار، اموال و کالای خود را ترک نمودند و در راه الله تعالی هجرت نمودند و الله تعالی جایگزین بهتری به آنها داد. الله جل جلاله کلیدهای شام، فارس و یمن را به آنها داد و آنها را مالک قصرهای قرمز شام و قصر سفید مدائن نمود و درهای صنعاء را بر آنها گشود و خزائن قیصر و کسری را به آنها داد.

امام رازی خلاصه‌ی تفسیر این آیه‌ی گرامی را این گونه بیان نموده است: «حاصل آن این است که گفته شود: ای انسان! اگر از هجرت نمودن از وطنت ترس داری که در مشقت و سختی سفر بی‌یافتی، هرگز نترس! زیرا الله تعالی

(۱) تفسیر قرطبی ۳۴۸/۵، و نگاه شود: تفسیر ابن کثیر ۵۹۷/۱.

(۲) تفسیر قرطبی ۳۴۸/۵، و نگاه شود: روح المعانی ۱۲۷/۵.

(۳) تفسیر قرطبی ۳۴۸/۵.

نعمت بزرگ و مراتب عظیمی را برای هجرت به تو می‌دهد که بینی دشمنانت را بر خاک می‌مالد و آن را سببی برای وسعت زندگی‌ات قرار می‌دهد»^(۱).

[مطلب یازدهم: شکر]^۲

شکر نمودن از الله تعالی یکی از کلیدهای زیاد شدن رزق و روزی است. همان طور که الله تعالی می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» [ابراهیم: ۷] (و هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت، اگر شکر کنید برای شما زیاد می‌کنم و اگر کفر بورزید، عذاب من بسی شدید است).

«شکر» در زبان عربی، تشکر نمودنی است که شخص برای انجام در مقابل کسی که از او تشکر می‌کند، کاری را برای او انجام می‌دهد و عملی نیست که فقط با زبان و دل صورت گیرد، بلکه باید در مقابل نیکی شخص مقابل، با انجام دادن کاری، از او تشکر نماید.

اما عده‌ای فکر می‌کنند که تشکر نمودن فقط از الله تعالی می‌باشد، ولی این درست نمی‌باشد، بلکه انسان باید از مردم نیز به واسطه‌ی کارهایی که برای ما انجام می‌دهند تشکر نماید. زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ لَمْ يَشْكُرْ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرْ اللَّهَ»^۳ (کسی که از مردم تشکر نکند از الله [متعال] تشکر ننموده است). باید توجه داشت که هر چه حق مردم بر گردن ما بیشتر می‌شود، تشکر از آنها نیز باید قوی‌تر باشد و بیشترین کسی که به گردن انسان حق دارد، اول مادر است و دوم پدر.

(۱) التفسیر الکبیر ۱۵/۱۱.

^۲ - این مطلب توسط مترجم اضافه شده است.

^۳ - سنن ترمذی ۱۹۵۵ و گفته است: این حدیث حسن صحیح می‌باشد و آلبانی آن را صحیح لغیره دانسته است. مسند احمد ۷۵۰۴ و شیخ شعب الارنؤوط گفته است: این حدیث اسنادش صحیح می‌باشد. (مترجم)

[مطلب دوازدهم: بی‌اعتنایی به دنیا]^۱

یکی دیگر از کلیدهای رزق و روزی دنیوی، بی‌اعتنایی به دنیا است. زیرا پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ جَعَلَ الْهُمُومَ هِمًّا وَاحِدًا هَمَّ آخِرَتِهِ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّ دُنْيَاهُ»^۲ (کسی که مشکلات را یک مشکل قرار دهد و آن مشکل آخرت باشد، الله [متعال] برای مشکلات دنیوی وی کافی خواهد بود).
در این حدیث بیان شده است کسی که فکر و ذکرش آخرت باشد، الله تعالی برای زندگی دنیای او کافی خواهد بود.

[مطلب سیزدهم: اذکاری که کلید رزق و روزی می‌باشند]^۳

اذکاری وجود دارد که از کلیدهای رزق و روزی می‌باشد.
از آنها:

- الف - پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ قَرَأَ سُورَةَ الْوَاقِعَةِ كُلَّ لَيْلَةٍ لَمْ يَفْتَقِرْ»^۴ (کسی که هر شب سوره‌ی واقعه را بخواند، فقیر نمی‌شود).
- ب - پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ كُلَّ يَوْمٍ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَتْ لَهُ أَمَانَةٌ مِنَ الْفَقْرِ وَأَنْسَا مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَاسْتَجَلَّتْ لَهُ الْغَنَى وَاسْتَفْرَغَتْ لَهُ بَابُ الْجَنَّةِ»^۵ (کسی که روزانه صد بار بگوید: هیچ پرستش شونده - ی برحق جز الله وجود ندارد [و او] پادشاه، حق و آشکار است، برای او امانی از فقر و آرامش از وحشت قبر و ثروتمندی برای او حاصل می‌شود و دربی از بهشت پایان کار او خواهد بود).

^۱ - این مطلب توسط مترجم اضافه شده است.

^۲ - سنن ابن ماجه ۲۵۷ و ۴۱۰۶. شیخ آلایانی این حدیث را حسن دانسته است. (مترجم)

^۳ - این مطلب توسط مترجم اضافه شده است.

^۴ - شعب الایمان امام بیهقی ۲۴۹۷ و ۲۴۹۸. (مترجم)

^۵ - شیخ آلایانی حدیث را ضعیف دانسته است. امام ابن رجب حنبلی گفته است: این حدیث مرسل است. علماء دربارہ‌ی حدیث مرسل اختلاف نظر دارند: بعضی مثل فخررازی و دارقطنی آن را حجت می‌دانند و بعضی مثل امام شافعی فقط از بعضی از تابعین مثل سعید بن مسیب آن را قبول می‌کنند و بعضی دیگر آن را به طور کل ضعیف می‌دانند. (مترجم)

[مطلب چهاردهم: کسب روزی از راه حلال]^۱

از دیگر کلیدهای با برکت شدن مال، کسب آن از راه حلال می‌باشد. وظیفه‌ی هر مسلمانی است که فقه تجارت و کسب و کار را بداند و مطابق آن کسب درآمد نماید و اگر نه روزی او حرام می‌شود و هر چه بدست می‌آورد، صرف اعتیاد و بیمارستان و دیگر موارد می‌شود، مگر عده‌ی بسیار کمی که گرفتار سنت املاء و استدراج الله تعالی می‌شوند.^۲

برای این مسأله دلایل زیادی در قرآن و سنت وجود دارد که در اینجا سه مورد از آنها را بیان می‌داریم:

الف - الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ﴾ [البقرة: ۲۷۶] (الله [متعال] درآمد از] ربا را تباه می‌سازد و [بهره‌ی] صدقه‌ها را زیاد می‌فرماید).

این سخن الله تعالی می‌باشد و از آن فهمیده می‌شود در معاملاتی که در آن ربا وجود دارد، ضرر و زیان به وقوع خواهد پیوست. پس بر هر مسلمانی که بخواهد مال و درآمد با برکت داشته باشد، واجب است تا انواع ربا را بشناسد و از انجام آن خودداری کند.

ب - پیامبر ﷺ فرموده است: «الْحَلْفُ مَتَّقَةٌ لِلْسَّلْعَةِ، مَمْحَقَةٌ لِلْكَسْبِ»^۳ (قسم خوردن رواج دهنده‌ی کالا و محو کننده‌ی کسب است). همچنین فرموده است: «إِيَّاكُمْ وَكَثْرَةَ الْحَلْفِ فِي الْبَيْعِ، فَإِنَّهُ يَنْفَقُ ثُمَّ يَمْحَقُ»^۴ (از زیاد سوگند خوردن در فروش پرهیزید، زیرا این کار تجارت را رواج می‌دهد و سپس محو می‌کند).

^۱ - این مطلب توسط مترجم اضافه شده است.

^۲ - سنتی است که الله تعالی به انسانهای خبیث فرصت می‌دهد تا درجه به درجه بر خیانت آنها افزوده شود و در جهنم به عذاب شدیدتری گرفتار شوند. (مترجم)

^۳ - سنن نسائی ۴۴۶۱. آلبانی سند حدیث را صحیح دانسته است. (مترجم)

^۴ - صحیح مسلم ۴۲۱۰. سنن نسائی ۴۴۶۰. (مترجم)

این دو حدیث درباره‌ی کسی است که قسم راست می‌خورد. پس بنگرید وضعیت کسی را که برای درآمد خود قسم دروغ می‌خورد.

[مطلب پانزدهم: دعا کردن]^۱

یکی دیگر از کلیدهای رزق و روزی و یا هر خیر دیگری دعا کردن می‌باشد که دارای احکامی است که می‌توانید برای اطلاعات بیشتر به کتابهای مربوطه رجوع کنید.

گفته شده است: ضعیف‌ترین اشخاص کسانی هستند که برای رسیدن به مقاصد خود، حتی نمی‌توانند، دعا کنند. اما نکته‌ی دیگری که اشخاص را از دعا کردن باز می‌دارد، استجاب نشدن آن است و آن نیز دلایلی دارد که می‌توانید برای بدست آوردن آنها به کتابهای مربوطه رجوع کنید، ولی مهمترین آنها: خوردن و آشامیدن و پوشیدن چیزهای حرام و امر به نیکی و نهی از بدی را ترک نمودن است و دلیل دیگری وجود دارد که در این حدیث بیان شده است:

پیامبر ﷺ فرموده است: «لَا يَزَالُ يُسْتَجَابُ لِلْعَبْدِ مَا لَمْ يَدْعُ بِإِثْمٍ، أَوْ قَطِيعَةٍ رَحِمٍ، مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ» [دعا] همیشه برای بنده اجابت می‌شود، مگر آن که برای گناه و قطع صله‌ی رحم دعاء کند، [البته] به شرطی که شتاب و عجله ننماید) گفته شد: ای رسول الله! عجله نمودن چیست؟ فرمود: «يَقُولُ: قَدْ دَعَوْتُ، وَقَدْ دَعَوْتُ فَلَمْ أَرَ يَسْتَجِيبُ لِي، فَيَسْتَحْسِرُ عِنْدَ ذَلِكَ، وَيَدْعُ الدُّعَاءَ»^۲ (بگوید: همانا دعا کردم و دعا کردم و ندیدم که برایم اجابت شود، پس در این اثناء خسته شده و دعا نمودن را ترک می‌کند).

بله، برای استجاب دعا باید صبر کرد و این را هم باید بدانیم که اگر دعایی در دنیا مستجاب نشود در آخرت مستجاب می‌گردد و کسانی که دعایشان در آخرت مستجاب می‌شود، می‌گویند: «ای کاش هیچ دایمان در دنیا مستجاب نمی‌شد».

^۱ - این مطلب توسط مترجم اضافه شده است.

^۲ - مسلم ۷۱۱۰ و ۷۱۱۱ و ۷۱۱۲. ابوداود ۱۴۸۶. ابن ماجه ۳۸۵۳. (مترجم)

یکی دیگر از دلایل اجابت نشدن دعا، خیر بودن آن اجابت نشدن می‌باشد. به طور مثال اگر دعای شخص مستجاب شود و وضع مادی او خوب شود، به جای شکر الله تعالی بگوید: «من انسان زرتنگی هستم». «من می‌دانم» و «من ...». در نتیجه گرفتار منیت شود و در نتیجه‌ی آن، گرفتار غروری شود که پیامبر ﷺ درباره‌ی آن فرموده است: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ» (کسی که ذره‌ای تکبر در قلبش وجود داشته باشد، داخل بهشت نمی‌شود). همچنین همان طور که در جامعه دیده می‌شود، افرادی که در امتحان مصیبت پیروز می‌شوند و صبر می‌نمایند، خیلی بیشتر از افرادی هستند که در امتحان زیادی نعمت پیروز می‌شوند و شکر می‌نمایند. باید دانست دنیا کوچک است و محل امتحان، مهمتر از فقر و ثروت، پیروزی در امتحان دنیا است، زیرا نتیجه‌ی این امتحان سرزمینی است که افراد در آن جاودانه می‌مانند.

[مطلب شانزدهم: انسان علت فقر خود را الله تعالی بداند]^۱

یکی از راه‌های رهایی از فقر، این است که انسان دلیل فقر خود را مردم نداند. این امری مُسَلَّم است که اگر تمام مردم دنیا بخواهند کوچکترین شری به ما برسانند تا الله تعالی نخواهد نمی‌توانند و همچنین اگر تمام مردم دنیا بخواهند تا کوچکترین خیری به ما برسانند، تا الله تعالی نخواهد نمی‌توانند.

پیامبر ﷺ فرموده است: «مَنْ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ لَمْ تُسَدِّ فَاقَتَهُ، وَمَنْ أَنْزَلَهَا بِاللَّهِ، فَيُوشِكُ اللَّهُ لَهُ بِرِزْقٍ عَاجِلٍ أَوْ آجِلٍ»^۲ (کسی که دچار فقر شود و آن را

^۱ - صحیح مسلم ۲۷۵ و ۲۷۷، سنن ترمذی ۱۹۹۹، سنن ابن ماجه ۵۹.

^۲ - این مطلب توسط مترجم اضافه شده است.

^۳ - سنن ابوداود ۱۶۴۷، سنن ترمذی ۲۳۲۶ و گفته است: این حدیث حسن صحیح غریب می‌باشد و آلبانی گفته است: با لفظ «بوت عاجل أو غنی عاجل» (به زودی می‌میرد یا به زودی بی‌نیاز می‌گردد) صحیح است. (مترجم)

به مردم نسبت دهد، فقر او از بین نمی‌رود و کسی که آن را به الله نسبت دهد، نزدیک است که الله [تعالی] او را با رزقی زود یا دیر [بی‌نیاز] نماید.

در این حدیث به وضوح بیان شده است که اگر فردی علت فقر خود را مردم بدانند، الله تعالی هیچ وقت او را بی‌نیاز نمی‌سازد، بلکه باید علت فقر خود را الله تعالی بدانند و بدانند که آن به واسطه‌ی گناهان وی است. همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» [الشوری: ۳۰] (و مصیبتی به شما نمی‌رسد، مگر به واسطه‌ی آنچه کسب نموده‌اید و باعث می‌شود تا تعداد زیادی از گناهان شما بخشیده شود).

خاتمه

شکر و ستایش برای الله است که به این بنده‌ی ضعیف اجازه داد تا این مبحث را بیان دارد و به عفو، کَرَم و قبولش امید دارم. در خلال این موضوع مسائل زیر بیان شد:

۱ - الله جل جلاله برای رزق و روزی اسباب و کلیدهایی قرار داده است که به شرح زیر می‌باشد:

أ - استغفار و توبه و آنها باید در سخن و عمل باشند.

ب - تقوا و حقیقت آن حفظ نفس از گناه می‌باشد و یا انجام دادن اوامر الله تعالی و خودداری کردن از چیزهایی که نهی فرموده است یا حفظ نمودن نفس از آنچه باعث مجازات می‌شود و شامل انجام دادن بعضی امور و ترک اموری دیگر می‌باشد.

ج - توکل که همان اظهار ناتوانی و اعتماد به الله تعالی به صورت یگانه است.

د - جدیت در عبادت الله تعالی که همان خالی کردن قلب از اموری به غیر از عبادت مولای ﷻ است.

ه - مداومت دادن به حج و عمره که همان ادای آنها یکی بعد از دیگری است.

و - صله‌ی رحم که همان نیکی کردن به خویشاوندان می‌باشد.

ز - اتفاق در راه الله تعالی که همان اتفاق کردن در چیزهایی است که الله تعالی دوست می‌دارد و از آن راضی می‌شود.

ح - اتفاق به کسی که خود را وقف طلب علم شرعی نموده است.

ط - نیکوکاری به ضعیفان.

ی - هجرت در راه الله تعالی که همان خارج شدن از سرزمین کفر به سوی سرزمین ایمان می‌باشد، به شرط آن که برای کسب رضایت‌مندی الله تعالی و توفیق یافتن به عمل نمودن به دین او باشد.

۲ - واجب است که استغفار و توبه با زبان و عمل صورت گیرد و استغفار و توبه با زبان بدون عمل، عمل دروغگویان است.

همان گونه که تقوا باید همراه با حفظ نمودن نفس از نافرمانی الله تعالی باشد و با عمل به اوامر و خودداری از چیزهایی که نهی فرموده است باشد و دعا نمودن به تنهایی فایده‌ای نه در دنیا دارد و نه در آخرت.

۳ - توکل و وقف شدن برای عبادت الله ﷻ دلیلی برای ترک کسب و کار برای زندگی نمی‌باشد.

۴ - صله‌ی رحم فقط با دادن مال صورت نمی‌گیرد، بلکه آن:

رساندن آنچه از خیر که امکان دارد به خویشاوندان می‌باشد و دفع آنچه از شرّ که امکان دارد از آنها است و این بر حسب توان و طاقت می‌باشد. نباید صله‌ی رحم با اهل گناه همراه دوست داشتن و محبت و تعریف از آنها باشد، بلکه صله‌ی رحم با آنها باید همراه کوشش برای منع آنها از گناهان باشد.

[چند مبحث نیز توسط مترجم اضافه شده است که از ذکر آنها خودداری می‌شود].

به برادران مسلمان خود توصیه می‌کنم به تمسک جستن به این سببهای رزق امید دلشته باشند. تمامی خیر تمسک به چیزی است که خالق جل و علا آن را در دین قرار داده است و تمامی شرّ رویگرداندن از آن است.

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾^(۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! وقتی الله و رسولش شما را به چیزی می‌خوانند که به شما زندگی می‌بخشد، آنها را اجابت کنید [و از آنها بپذیرید] و بدانید که الله [متعال] بین شخص و قلبش حائل می‌گردد و بدانید که به پیشگاه او، برانگیخته می‌شوید. همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَتَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾^(۲) (و هر کس از یاد من روی برگرداند، زندگی تنگی خواهد داشت و روز قیامت او را کور محسور می‌گردانیم) * می‌گوید: «پروردگارا! چرا مرا کور محسور فرمودی و من بینا بودم؟» * می‌فرماید: «آنچنان بود که آیات ما به نزد تو رسید و آن را فراموش کردی و این چنین است که امروز فراموش می‌شوی».

صلی الله تعالی علی نبینا و علی آله و أصحابه و أتباعه و بارک و سلم و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.

فهرس المصادر والمراجع

- ۱ - «الإحسان فی تفریب صحیح ابن» للأمریة علاء الدین الفارسی، ط: مؤسسة الرسالة بیروت، الطبعة الأولى ۱۴۰۸هـ — بتحقیق الشیخ شعیب الأرناؤوط.
- ۲ - «أحكام القرآن» للإمام أبی بکر بن العربی، ط: دار المعرفة بیروت، بدون الطبعة وسنة الطبع، بتحقیق الأستاذ علی محمد البجاوی.
- ۳ - «إحیاء علوم الدین» لإمام أبی حامد الغزالی، ط: دار المعرفة بیروت، سنة الطبع ۱۴۰۳هـ.

(۱) سوره‌ی الأنفال آیه: ۲۴.

(۲) سوره طه آیات: ۱۲۴ - ۱۲۶.

- ٤ - «الأدب المفرد» للإمام محمد بن إسماعيل البخاري، ط: عالم الكتب بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٥هـ بترتيب وتقديم الأستاذ كمال يوسف الحوت.
- ٥ - «أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن» للعلامة محمد الأمين الشنقيطي، ط: علي نفق سمو الأمير أحمد بن عبد العزيز آل سعود، سنة الطبع ١٤٠٣هـ.
- ٦ - «أيسر التفاسير» للشيخ أبي بكر الجزائري، الطبعة الأولى ١٤٠٧هـ.
- ٧ - «تحرير ألفاظ التنبيه» أو «لغة الفقه» للإمام محي الدين النووي، ط: دار القلم دمشق، الطبعة الأولى ١٤٠٨هـ بتحقيق الأستاذ عبد الغني الدقر.
- ٨ - «تحفة الأحوذى» شرح جامع الترمذى للشيخ عبد الرحمن المباركفوري، ط: دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٠هـ.
- ٩ - «تفسير البغوى» المسمى بـ «معالم التنزيل» للإمام أبي محمد البغوى، ط: دار المعرفة بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٦هـ بإعداد وتحقيق الأستاذين خالد عبد الرحمن العك ومروان سوار.
- ١٠ - «تفسير التحرير والتنوير» للأستاذ محمد طاهر علشور، ط: الدار التونسية للنشر تونس، سنة الطبع ١٩٨٤م.
- ١١ - «تفسير الخازن» المسمى «لباب التأويل في معاني التنزيل» للعلامة علاء الدين علي بن محمد الشهير بالخازن، ط: دار الفكر بيروت، سنة الطبع ١٣٩٩هـ.
- ١٢ - «تفسير أبي السعود» المسمى بـ «إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم» للقاضى أبي السعود، ط: دار إحياء التراث العربى، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ١٣ - «تفسير الطبرى» (جامع البيان من تأويل أى القرآن) للإمام أبى جعفر الطبرى، ط: دار المعارف بمصر، بدون الطبعة وسنة الطبع، بتحقيق الشيخين محمود محمد شاكر وأحمد محمد شاكر.
- ١٤ - «تفسير القاسمى» المسمى بـ «محاسن التأويل» محمد جمال الدين القاسمى، ط: دار الفكر بيروت، الطبعة الثالثة ١٣٩٨هـ، بتحقيق الشيخ محمد فؤاد عبد الباقي.

- ١٥ - «تفسير القرطبي» المسمى بـ «الجامع لأحكام القرآن» للإمام أبي عبد الله القرطبي، ط: دار إحياء التراث العربي، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ١٦ - «التفسير القيم» للإمام ابن القيم، ط: دار الفكر بيروت، سنة الطبع ١٤٠٨هـ، جمعة الشيخ محمد أويس الندوي، وحققه الشيخ محمد حامد الفقي.
- ١٧ - «التفسير الكبير» بـ «مفاتيح الغيب» للإمام فخر الدين الرازي، ط: دار الكتب العلمية طهران، الطبعة الثانية، بدون سنة الطبع.
- ١٨ - «تفسير ابن كثير» المسمى بـ «تفسير القرآن العظيم» للحافظ ابن كثير، ط: دار الفحاء دمشق ودار السلام الرياض، الطبعة الأولى ١٤١٣هـ، بتقديم الشيخ عبد القادر الأرناؤوط.
- ١٩ - «تفسير ابن مسعود رضي الله عنه» من إعداد الأستاذ محمد عيسوي، ط: مؤسسة الملك فيصل الخيرية، الطبعة الأولى ١٤٠٥هـ.
- ٢٠ - «تفسير المنار» للسيد محمد رشيد رضا، ط: دار المعرفة بيروت، الطبعة الثانية، بدون سنة الطبع.
- ٢١ - «التلخيص» (المطبوع بذي المستدرك على الصحيحين) للحافظ الذهبي، الناشر: دار الكتاب العربي بيروت، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٢٢ - «تنقيح الرواة في تخريج أحاديث المشكاة» للشيخ أحمد حسن الدهلوي، ط: المجلس العلمي السلفي لاهور، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٢٣ - «جامع الترمذي» (المطبوع مع تخفة الأحوذى للإمام أبي عيسى محمد بن عيسى، ط: دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٠هـ).
- ٢٤ - «حاشية الإمام السندی على سنن النسائي» للشيخ أبي الحسن السندی، ط: دار الفكر بيروت، الطبعة الأولى ١٣٤٨هـ.
- ٢٥ - «روح المعاني» للعلامة محمود الألوسي، ط: دار إحياء التراث العربي بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠٥هـ.
- ٢٦ - «زاد المسير في علم التفسير» للإمام ابن الجوزي، ط: المكتب الإسلامي بيروت، الطبعة الأولى ١٩٨٤م.
- ٢٧ - «رياض الصالحين» للإمام النووي، ط: مؤسسة الرسالة بيروت، الطبعة الخامسة ١٤٠٥هـ، بتحقيق الأرناؤوط.

- ٢٨ - «سلسلة الأحاديث الصحيحة» للشيخ محمد ناصر الدين الألباني، ط: المكتبة الإسلامية عمان والدار السلفية الكويت، الطبعة الأولى ١٤٠٣هـ
- ٢٩ - «سنن أبي داود» (المطبوع مع عون المعبود) للإمام سليمان بن الأشعث السجستاني، ط: دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٠هـ
- ٣٠ - «سنن ابن ماجه» للإمام أبي عبد الله محمد بن يزيد القزويني ابن ماجه، ط: شركة الطباعة العربية السعودية، الطبعة الثانية ١٤٠٤هـ، بتحقيق د. محمد مصطفى الأعظمي.
- ٣١ - «سنن النسائي» (المطبوع مع شرح السيوطي وحاشية السندی) للإمام أبي عبد الله الرحمن أحمد بن شعيب النسائي، ط: دار الفكر بيروت، الطبعة الأولى ١٣٤٨هـ
- ٣٢ - «شرح السنة» للإمام البغوي، ط: المكتب الإسلامي بيروت، الطبعة الأولى ١٣٩٠هـ، بتحقيق الشيخين شعيب الأرنؤوط وزهير الشاويش.
- ٣٣ - «شرح النووي على صحيح مسلم» للإمام النووي، ط: دار الفكر بيروت، سنة الطبع ١٤٠١هـ
- ٣٤ - «صحيح البخاري» (المطبوع مع فتح البالاي) لإمام محمد بن إسماعيل البخاري، نشر وتوزيع: الرئاسة العامة للإدارات البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد الرياض، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٣٥ - «صحيح ابن خزيمة» للإمام أبي بكر بن إسحاق بن خزيمة، ط: المكتب الإسلامي بيروت، بدون الطبعة وسنة الطبع، بتحقيق د. محمد مصطفى الأعظمي.
- ٣٦ - «صحيح سنن الترمذي» اختيار محمد ناصر الدين الألباني، نشر: مكتب التربية العربي لدول الخليج الرياض، الطبعة الأولى ١٤٠٩هـ
- ٣٧ - «صحيح سنن أبي داود» صحح أحاديثه الشيخ محمد ناصر الدين الألباني، نشر: مكتب التربية العربي لدول الخليج الرياض، الطبعة الأولى ١٤٠٩هـ
- ٣٨ - «صحيح سنن ابن ماجه» اختيار الشيخ محمد ناصر الدين الألباني، نشر: مكتب التربية العربي لدول الخليج، الطبعة ١٤٠٨هـ

- ٣٩ - «صحيح سنن النسائي» صحح أحاديثه الشيخ محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: مكتب التربية العربي لدول الخليج الرياض، الطبعة الأولى ١٤٠٩هـ.
- ٤٠ - «صحيح مسلم» للإمام مسلم بن حجاج القشيري، نشر وتوزيع: الرئاسة العامة للأرادات والبحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد الرياض، سنة الطبع ١٤٠٠هـ، بتحقيق الشيخ محمد فؤاد عبد الباقي.
- ٤١ - «ضعيف سنن أبي داود» ضعف أحاديثه الشيخ محمد ناصر الدين الألباني، ط: المكتب الإسلامي بيروت، الطبعة الأولى ١٤١٢هـ.
- ٤٢ - «عمدة القارئ شرح صحيح البخاري» للعلامة بدر الدين العيني، ط: دار الفكر بيروت، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٤٣ - «عون المعبود» شرح سنن أبي داود للعلامة أبي الطيب العظيم آبادي، ط: دار الكتب العلمية الأولى ١٤١٠هـ.
- ٤٤ - «فتح الباري» شرح صحيح البخاري للحافظ ابن حجر، نشر وتوزيع: الرئاسة العامة لإدارة البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد الرياض، بدون سنة الطبع.
- ٤٥ - «فتح القدير» للإمام محمد بن علي الشوكاني، التوزيع: المكتبة التجارية مكة المكرمة، بدون الطبعة وسنة الطبع، مع تعليق الأستاذ سعيد محمد اللحام.
- ٤٦ - «فيض القدير شرح الجامع الصغير» للعلامة محمد المدعو بعبد الرؤوف المناوي، ط: دار المعرفة بيروت، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٤٧ - «القاموس المحيط» للعلامة مجد الدين الفيروزآبادي، ط: المؤسسة العربية للطباعة والنشر بيروت، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٤٨ - «كتاب التعريفات» للعلامة الجرجاني، ط: مكتبة لبنان بيروت، سنة الطبع ١٩٨٥م.
- ٤٩ - «كتاب الزهد» للإمام عبد الله بن المبارك، ط: دار الكتب العلمية بيروت، بدون الطبعة وسنة الطبع، بتحقيق الشيخ حبيب الرحمن الأعظمي.
- ٥٠ - «كتاب السنن الكبرى» للإمام أبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب النسائي، ط: دار الكتب العلمية بيروت، الطبعة الأولى ١٤١١هـ، بتحقيق الأستاذين د. عبد الغفار سليمان البنداري وسيد كروي حسن.

- ٥١ - «كتاب النظر والأحكام فى جميع أحوال السوق» للإمام يحيى بن عمر الأندلسى، ط: الشركة التونسية للتوزيع، سنة الطبع ١٩٧٥م.
- ٥٢ - «الكشاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل فى وجوه التأويل» للعلامة أبى القاسم الزمخشري، ط: دار المعرفة بيروت، بدون سنة الطبع والطبعة.
- ٥٣ - «كشف الخفاء ومزيل الإلباس» للشيخ إسماعيل بن محمد العجلوني، ط: مؤسسة الرسالة بيروت، الطبعة الرابعة ١٤٠٥هـ بتصحيح الأستاذ أحمد القلاش.
- ٥٤ - «مجمع الزوائد ومنبع الفوائد» للحافظ نور الدين الهيثمى، ط: "دار الكتاب العربى بيروت، الطبعة الثالثة ١٤٠٢هـ.
- ٥٥ - «مجمع الزوائد ومنبع الفوائد» للحافظ نو الدين الهيثمى، ط: دار الكتاب العربى بيروت، الطبعة الثالثة ١٤٠٢هـ.
- ٥٥ - «المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز» للقاضى ابن عطية الأندلسى، بدون الناشر والطبعة وسنة الطبع، بتحقيق المجلس العلمى بفاس.
- ٥٦ - «المستدرک على الصحيحين» للإمام أبى عبيد الله الحاكم، دار الكتاب العربى بيروت، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٥٧ - «المسند» للإمام أحمد بن حنبل، ط: دار المعارف للطباعة والنشر مصر، الطبعة الثالثة، بتحقيق الشيخ أحمد محمد شاكر. {«المسند»} للإمام أحمد بن حنبل ، ط: المكتب الإسلامى بيروت. >
- 58 - «مسند الشهاب» للقاضى أبى عبد الله محمد بن سلامة القضاعى، ط: مؤسسة الرسالة بيروت، الطبعة الثانية ١٤٠٧هـ، بتحقيق الشيخ حمدى عبد المجيد السلفى.
- ٥٩ - «مشكاة المصابيح» للشيخ محمد بن عبد الله الخطيب التبريزى، ط: المكتب الإسلامى بيروت، الطبعة الثانية ١٣٩٩هـ، بتحقيق الشيخ محمد ناصر الدين الألبانى.
- ٦٠ - «المفردات فى غريب القرآن» للإمام راغى الأصفهاني، ط: دار المعرفة بيروت، بدون سنة الطبع، بتحقيق الأستاذ سيد كيلانى.

- ٦١ - «نزهة النظر في توضيح نخبة الفكر» للحافظ ابن حجر، ط: قرآن محل مكراشي، بدون الطبعة وسنة الطبع.
- ٦٢ - «النهلية في غريب الحديث والأثر» للإمام ابن الأثير، الناشر: المكتبة الإسلامية بيروت، بدون سنة الطبع، بتحقيق الأستاذين طاهر أحمد الزاوي ود. محمود الطناجي.
- ٦٣ - «هامش الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان» للشيخ شعيب الأنارؤوط، ط: مؤسسة الرسالة بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ.
- ٦٤ - «هامش المسند» للشيخ أحمد محمد شاكر، ط: دار المعارف للطباعة والنشر مصر، الطبعة الثالثة.
- ٦٥ - «هامش مشكاة المصابيح» للشيخ محمد ناصر الدين الألباني، ط: المكتب الإسلامي بيروت، الطبعة الثانية ١٣٩٩ هـ.